

پدیده

هفته نامه
سیاسی
اجتماعی
فرهنگی

شنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۵ سال سوم

دوره جدید، شماره: ۱۷ ۱۶ صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان

December 3, 2016 WWW. padidehshahr.com

بندبازاری روی خط فقر

«به خاطر خدا، بساط گر مخانه را از محله ما جمع کنید»

بیش از ۹۰ درصد اهالی جنوب شرقی ترین محله تهران فقیر هستند:



گزارش هفته نامه «پدیده شهر» از وضعیت محله «اتابک» در منطقه ۱۵ تهران:

اتابک محله ای پر از زمین های بی دفاع شهری

سر دبیر «پدیده شهر» مطرح کرد:

«رضویه» و «اتابک»
در کجای معادله ذهنی
مدیران قرار دارند؟

۲۰

دنیامالی خبر داد:

اصلاح
ضوابط حفاری
در شهر تهران

۲۰

گزارش «پدیده شهر» از وضعیت شهرک رضویه:

جنوب شرقی ترین
خانه تهران
در حال جان کندن!

۳۰

در نشست شورایاران محله «اتابک» مطرح شد:

ای کاش شهرداری
به مسائل اجتماعی
ورود نمی کرد!

۹۰

صدای محله های تهران است

آگهی خود را به ما بسپارید ۸۸۳۲۰۶۵۴

هفته نامه
سیاسی
اجتماعی
فرهنگی
پدیده

طبقه متوسط به دلیل تغییرات اساسی در جامعه در حال فرو ریختگی است



فرو ریختگی طبقه متوسط

نشست هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات کودکان کار و خیابان و حاشیه نشین ها دیروز عصر در دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران برگزار شد شرکت کنندگان در این نشست بر شناسایی و توانمندی سازی کودکان و خانواده های در معرض آسیب تاکید کردند.

سیاوش شهر پور گفت: بحران جدی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و ارزشی جامعه به وجود آمده است و خروج از این چرخه معیوب ناممکن شده است. وی ادامه داد: خداد های در سطح کشور به وقوع پیوسته است که قانونی نیست و این وقایع به دلیل غیر قانونی بودن تحت حمایت سازمان های دولتی قرار نگرفته است که مشکلات اجتماعی را دوچندان کرده است و به دلیل غیر قانونی بودن ارگان های دولتی به راحتی نمی توانند به آن بپردازند.

مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران تصریح کرد: طبقه متوسط به دلیل تغییرات اساسی در جامعه در حال فرو ریختگی است و این فروریختگی جنبه های گوناگون از جمله؛ ایدئولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی دارد که بایستی با برنامه ریزی دقیق و حمایت سازمان های مردم نهاد این موضوع مورد توجه قرار گیرد.

شهر پور افزود: فقر در جامعه در حال گسترش است ولی فقر به تنهایی آسیب های غیر قابل برگشت را ایجاد نمی کند بلکه نبود سرمایه های اجتماعی آسیب های جدی را در سطح جامعه به وجود می آورد که باید در راستای تقویت سرمایه های اجتماعی اقدام جدی توسط مردم، سازمان های مردم نهاد و دولت صورت بگیرد. وی با اشاره به ارزش های جدید فرهنگی در کشور تصریح کرد: برخی از موضوعات اجتماعی تعریف متفاوتی در جامعه پیدا کرده است و با ایجاد یگانگی در بستر اجتماع و ساختارهای فرهنگی می توان موضوعات متفاوت را تمشیت کرد. مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران اضافه کرد: امروز برخی افراد از فعالیت اجتماعی و داوطلبانه سوء استفاده می کنند که این مسئله آسیب جدی به سرمایه اجتماعی دواطلبان جامعه وارد خواهد کرد که این موضوع بایستی توسط نهاد های ناظر و سازمان های غیر دولتی مورد بررسی، هدایت و کنترل قرار گیرد.

شهر پور با اشاره به ساخت های متفاوت فرهنگی در جامعه ابراز کرد: سیاست های یکسان سازی فرهنگی نتیجه عکس داده است و افرادی که در گذشته از طریق برگزاری برنامه های متفاوت در سطح شهرها درآمد کسب می کردند امروز با فروش مواد مخدر هزینه های زندگی خود را تامین می کنند و بایستی با هزینه های جدی در سطح کلان جامعه آداب، رسوم و فعالیت تاریخی از فرهنگی قومیت های احیا شود تا در نتیجه این موضوع آسیب های ناشی از تعارض فرهنگی در سطح جامعه کاهش پیدا کند. مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران در پایان تاکید کرد: امروز آسیب های اجتماعی منبع درآمد افراد سودجو شده است و با ارائه طرح و برنامه می توان در راستای کاهش آن قدم برداشت که تهیه طرح در حوزه های کودکان و سایر حوزه ها بر عهده سازمان های مردم نهاد است و استانداری از طرح های ارائه شده حمایت خواهد کرد که این موضوع مورد توجه جدی سازمان های مسئول قرار گرفته است. خجسته اسلامی نژاد مؤسس انجمن حمایت از کودکان کار و خیابان گفت: طبق آمار در سال ۹۲ قریب به ۱۹ میلیون نفر افراد زیر ۱۸ سال در کشور وجود داشت که از آنها نزدیک به ۴ میلیون و ۱۵۰ هزار نفر در مدارس در حال تحصیل بودند که مابه تفاوت اینها تقریباً ۳ میلیون نفر کودک بازمانده از تحصیل می شود که مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی نیز به آن اشاره کرده است. عضو شبکه یاری کودکان ادامه داد: طبق آمار اعلام شده تعداد افراد زیر ۱۸ سال به ۱۵ میلیون نفر کاهش پیدا کرده است و تقریباً نزدیک به ۱۲ میلیون نفر در مدارس کشور ثبت نام کرده اند که این نمودار بیان گر وجود تقریباً ۴ تا ۵ میلیون کودک بازمانده از تحصیل در سطح کشور است که این بخش از جامعه به جز کودک کار و خیابان هستند. اسلامی نژاد تاکید کرد: امارات بازمانده از تحصیل در حال افزایش است و مدارس کشور توانایی مالی و منابع انسانی تحت پوشش قرار دادن این افراد را ندارند و بایستی با کمک سازمان های مردم نهاد این موضوع مرتفع شود و به نوعی با مشارکت مردم این موضوع مدیریت شود.

مؤسس انجمن حمایت از کودکان کار و خیابان بیان کرد: تا ۵ سال پیش طبق نوشته روزنامه های کثیرالانتشار ۱۲ میلیون حاشیه نشین در کشور وجود داشت که اگر این تعداد را در قالب خانواده چهار نفره تعریف کرد نزدیک به ۶ میلیون کودک حاشیه نشین در کشور زندگی می کنند که به استانداردهای اولیه زندگی دسترسی ندارند.

این فعال حوزه کودکان گفت: در سال جدید با اضافه شدن بافت های فرسوده به مناطق حاشیه ای کشور، وجود تعداد ۱ میلیون حاشیه نشین در کشور توسط سازمان عمران عمران و شهرسازی اعلام شده است که با توجه به این آمار نزدیک به ۹ میلیون کودک حاشیه نشین در کشور وجود دارد که این افراد بایستی به سمت آموزش و حرفه آموزی سوق داده شوند. وی تصریح کرد: کودکان حاصل از روابط نامشروع با محارم در سطح کشور در حال افزایش است و در گزارشی از وجود ۲۰ تا ۲۲ میلیون کودک فاقد شناسنامه در کشور صحبت شده است که می توان با تاامل گفت که نزدیک ۵ هزار نفر کودک فاقد شناسنامه در استان تهران وجود داشته باشد.

«رضویه» و «اتابک» در کجای معادله ذهنی مدیریت شهر تهران قرار دارند؟



۱- محله رضویه مسائل و مشکلات متعددی دارد. جدی ترین مساله ی آن فقر خشنی است که در همه حوزه های زیستی (مخصوصاً فقر معیشتی) دارد. این فقر معلول فرایندهای کلان و خردی است که بخش عمده ی آن خارج از توان مدیریت شهری می باشد، اما بخشی از مشکلات این محله ناشی از کار کردهای نادرست مدیریت شهری می باشد. به عنوان مثال، گرمخانه خاوران با اینکه برای حل بخشی از معضلات اجتماعی

شهر تهران در نظر گرفته شده است، اما یک بررسی دقیق میدانی در محله ی رضویه نشان می دهد که هزینه های اجتماعی این تصمیم بسیار بیشتر از فواید آن می باشد. (در این شماره نشریه به ابعاد این پدیده اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.) از این رو مدیریت شهری باید نسبت به جابجایی این مرکز اقدام عاجل و فوری انجام دهد. در کوتاه مدت نیز برخی مداخلات اجتماعی به نفع مردمان محله رضویه ضروری است. مساله بعدی در این محله تعیین تکلیف خانه ها و اراضی مردم است. به هر حال تهران گسترش عمودی و افقی زیادی در طی چند دهه اخیر داشته است. این محله هم قدمتی بیش از چند دهه دارد. اساساً این بلاتکلیفی بعد از چند دهه قابل فهم نیست. و دست آخر اینکه در کوتاه مدت شهرداری تهران می تواند با هزینه های اندکی برخی تغییرات حداقلی در این محله ایجاد کند که زیست اهالی حاشیه ای

این محله قابل تحمل تر گردد. مواردی از درخواست های جزئی مردم و شورویاران به آسانی قابل رفع رجوع می باشد، به عنوان مثال شهردار تهران می تواند از بانک شهر بخواهد که یک شعبه بانکی در این شهرک دایر نماید و یا اینکه شهرداری منطقه ۱۵ می تواند هزینه نصب انشعاب گاز برای جنوب شرقی ترین خانه پایتخت را در این سرمای زمستانی بپردازد.

۲- محله «اتابک» مسائل اجتماعی و کالبدی بفرنجی دارد. در بسیاری از کوچه های این محله، شهرداری برخی املاک فرسوده را تملک کرده، اما عملاً آنها را رها کرده است. به طور نسبی می توان سر نوشت این املاک را به عنوان معیاری جهت ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در بحث بافت فرسوده به حساب آورد. اگر از این منظر به این پدیده نگریسته شود، عملکرد مدیریت شهری قابل قبول نیست. (تبعات و آسیب

عابدین سالاری اسکر | در این هفته به دو محله «رضویه» و «اتابک» در منطقه ۱۵ رقتیم. مسائل و مشکلات متنوع و پیچیده ای دارند و حقیقتاً به درستی در میان ۵۳ محله محروم تهران جای گرفته اند. آنچه در زیر می آید فهم و برداشت نگارنده از این دو محله است.

های این بافت هادر گزارش میدانی این هفته، بوضوح تشریح شده است). بنابراین مدیریت شهری باید به تغییرات کالبدی این محله به عنوان ریشه ی حل مسائل اجتماعی آن دست یازد. از طرف دیگر آسیب های اجتماعی این محله چهره عریان و آشکاری دارد که نیازمند توجه عاجل مسئولین شهری و استانی می باشد.

باید اذعان داشت که برخی محلات تهران نیازمند توجه فوری و نگاه متفاوت تری است. تجربه ی هفتگی نگارنده نشان می دهد که مردمان این محلات بسیار خوب، مهربان و دوست داشتنی و مستحق توجه بیشتر می باشند. از طرفی حل برخی مشکلات آنها، از حیث میزان نیاز بودجه ای در مقابل هزینه های کلانی که در این کلانشهر صورت می گیرد، بسیار ناچیز و جزئی می باشد. فقط کافی است گونه دیگری نگاه کنیم!

اصلاح ضوابط حفاری در شهر تهران



با تصویب اعضای شورای شهر تهران ضوابط حفاری در شهر تهران اصلاح شد که مهم ترین این اصلاحات متعدد شدن دستگاههای مجری به حفظ حریم حفاری ها است. به گزارش اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شورای اسلامی شهر تهران بررسی لایحه «اصلاحیه مصوبه نحوه صدور مجوز حفاری در شهر تهران» دستور امروز شورای اسلامی شهر تهران که پس از بررسی اعضای شورای اسلامی شهر تهران به تصویب رسید. احمد دنیامالی، رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران در تشریح این لایحه گفت: متأسفانه هنوز در حفاری

هاز روش سنتی استفاده می شود و با توجه به عرض بسیاری از خیابان ها، مشکلات مختلفی را برای شهروندان به همراه آورده است و این روی شکایت های فراوانی به شورای شهر را سال شده است. وی اظهار داشت: تشویق دستگاههای مجری به استفاده از روش های نوین که از اهداف این لایحه است راهکاری است که می تواند موجب کاهش ۸۰ درصدی صدور مجوز حفاری شود. رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران تصریح کرد: سالانه ۲۰۰ میلیارد تومان صرف مرمت معابر و سطح بزرگراه ها می شود که ۲۰ درصد این هزینه ها برای رفع مشکلات و لکه گیری مجدد نوارهای حفاری در سطح شهر تهران است. دنیامالی با بیان اینکه در شش ماهه نخست امسال در یک سوم طول معابر شهر تهران حفاری شده است اظهار داشت: این موضوع نشان می دهد که تعداد حفاری های صورت گرفته در تهران زیاد بوده است. وی با بیان اینکه با وجود حفاری های متعدد، دستگاههایی که تقاضای حفاری داده اند از روند صدور مجوز ناراضی هستند، گفت: در این لایحه روند ساده تری اتخاذ شده اما ضوابط حفاری با اتخاذ رویکرد

شناسایی معابر پر بارش پایتخت

بادوربین های کنترل ترافیک

منطقه شهر تهران توزیع شده است، تصریح کرد: این مناطق بیشترین سابقه در میزان بارش برف را هر ساله دارند. با توجه به نسبت محلول و آبی که باید مخلوط شود می توانیم در سطح کلی معابر اصلی و شریانی شهر تهران از این محلول استفاده کنیم. جعفری با بیان اینکه همچنین در زمان بارش در پل هار، مپو لوپ ها و تونل ها از این محلول پاشیده می شود، خاطر نشان کرد: همچنین نقاطی که دارای شیب تند بوده یا بادگیر هستند و احتمال یخ زدگی این محدوده ها زیاد است. از این محلول استفاده خواهد شد. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با اشاره به اینکه در سال گذشته دستگاه های محلول پاش تهیه شده اند، افزود: امسال نیز بخش دیگری را به این تجهیزات اضافه کرده ایم. محلول پاش و محلول ساخت داخل خریداری شده و با توجه به مشابه سازی

که دستگاه های خارجی داشتیم، توانسته ایم سطح خدمات دهی را به دفعات بیشتری افزایش دهیم تا قبل از بارش برف این عملیات انجام شود. وی با اشاره به فصل بارش باران و برف در شهر تهران گفت: اعتبارات و دستگاه ها لازم در این خصوص تهیه و در صد استفاده از شن و نمک نسبت به سال قبل کمتر شده است. طبق برنامه ریزی دستگاه های محلول پاش CAM و همچنین تجهیز دستگاه ها و اعتبارات به مناطق تخصیص داده شده است. جعفری در خصوص بارندگی و بارش باران در فصل پاییز گفت: با استفاده از دوربین های کنترل ترافیک و نیز اطلاعات خیابان ها و معابر در سال های گذشته، معبر های پر بارش تر شناسایی شده اند. همچنین مسیرها و کانال ها و انبارهای بر اساس برنامه فوریتی طبق دستورالعمل هالا یروبی شده و اشکالات رفع شده است تا در صورت بارش برف خدمات مناسب و مطلوب ارائه شود. حسین جعفری در گفت و گو با خبرنگار شهر نوشت، با بیان اینکه امسال در راستای مصوبه شورای اسلامی شهر تهران برای کاهش میزان نمک مصرفی برای برف رویی معابر در فصل بارش اقدام شده است، گفت: به همین منظور محلول یخ زد CAM تولیدی داخل کشور خریداری کرده ایم. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با تاکید بر اینکه این محلول در ۷

پلیس با خودروهای پلاک شهرستان که اقدام به مسافری می کنند برخورد کند



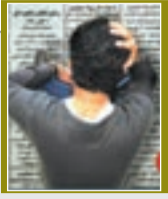
نایب رییس کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر تهران گفت: رسانه ها آن طور که باید به نقش چشمگیر دولت در راهپیمایی اربعین نپرداختند و حتی روزنامه ایران نیز این موضوع را پوشش نداد. به گزارش اداره کل ارتباطات و بین الملل شورای اسلامی شهر تهران اسماعیل دوستی در سید و هشتمین جلسه شورا با اشاره به راهپیمایی عظیم مسلمانان در اربعین حسینی گفت: این راهپیمایی با شکوه هر چه تمام تر برگزار شد اما خدمات دولت در این عرصه صاژ سوی رسانه ها و صدا و سیما ذکر نشد.

وی ادامه: بیشتر مقام های مسئول اعم از استانداران و معاونین استاندار از جمله استانداران تهران و ایلام در کربلا حضور داشتند و در اربعین دوشادوش شهرداری تهران به خدت رسانی به زائران مشغول بودند اما متأسفانه رسانه های این موضوع را فراموش کردند. دوستی گفت: در شرایطی که جمعیت میلیونی در مرزها حضور داشتند و در این مسیر امکان هر اتفاقی هم بود اما این مراسم با نظم و امنیت کامل برگزار شد اما متأسفانه رسانه ها و حتی روزنامه ایران این مهم را پوشش ندادند. البته جادار از اقدامات دولت و به ویژه دستور رییس جمهور در راستای اینکه

کشته شدگان واقعه حله شهیدم محسوب شوند تشکر و قدر دانی کنیم. نایب رییس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران در ادامه سخنان خود با اشاره به اختلال حرکت خودروها در مبادی ورودی طرح زوج و فرد، گفت: تذکر من به پلیس راهور این است که از زمانی که طرح زوج و فرد اجرا شده خودروها در مکان های ورودی طرح در حاشیه بزرگراه هابه صف می ایستند تا با پایان یافتن ساعت طرح وارد محدوده زوج و فرد نشوند این امر خود موجب اختلال حرکت خودروها می شود که خواسته ما از پلیس راهور رسیدگی هر چه سریعتر به این مورد است. دوستی در ادامه افزود: موضوع دیگر حضور خودروهای پلاک شهرستان در سطح شهر و اقدام آنان به جابجایی مسافر است که بعضاً با درگیری بین آنان و تاکسیران تهران همراه است. از پلیس راهور می خواهیم به این موضوع نیز رسیدگی کنند.

در ادامه جلسه مهدی چمران رییس شورای اسلامی شهر تهران گفت: اقدام این رانندگان غیر قانونی است.

انجمن علمی اقتصاد شهری ایران



در گیر شدن شهروندان با فعالیتهای کار آفرینی سبب ظرفیت سازی برای خدمت رسانی به شهر شده و می تواند در فراهم سازی بسترهای مشارکتی کمک کند

کار آفرینی شهری پیش شرط عبور از بیکاری

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، مهدی آقابلیگی در مصاحبه‌ای گفت: نرخ بیکاری به روایت مرکز آمار در آبان ماه سال جاری از ۱۲.۷ درصد فراتر رفت. بر اساس این نتایج نرخ بیکاری در شهرها نسبت به جوامع روستایی ۱.۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش داشته است بایک حساب سرانگشتی می توان در یافت نرخ بیکاری در جوانان شهری میل به افزایش دارد؛ این در حالیست که در کشورهای در حال توسعه، اغلب کمبود سرمایه و نیروی کار مانع اصلی در توسعه اقتصادی محسوب نمی شود، بلکه کمبود برنامه های کار آفرینی پویا مشکل اصلی است در این کشورها نهادهای حاکمیتی برای حمایت از کار آفرینان شهری معرفی می شوند.

بررسی هاشان می دهد ساختار اقتصادی دنیای امروز با گذشته بطور اساسی تفاوت دارد افزایش داراییهای، که از شاخص های اصلی سنجش ثروت بود امروز جای خود را به نوآوری، ابداع، خلق محصولات جدیدو، کار آفرینی داده است.

کار آفرینی شهری هر چند مقوله ای نوپا در کشورهای در حال توسعه است، اما هنوز جایگاه قوام یافته ای در اقتصاد امروز ایران ندارد؛ بخصوص اگر بدانیم بر اساس برسیه های آماری هزینه تولید یک فرصت شغلی که برای دولت ۲۰ میلیون تومان بر آورد شده در کار آفرینی شهری به کمتر از ۵ میلیون تومان تقلیل می یابد.

کارشناسان اقتصادی معتقدند در گیر شدن شهروندان با فعالیتهای کار آفرینی سبب ظرفیت سازی برای خدمت رسانی به شهر شده و می تواند به مدیریت شهری در فراهم سازی بسترهای مشارکتی کمک کند، تا هم شهروندان و هم مدیریت شهری از این توسعه منتفع شوند.

عضو انجمن علمی اقتصاد شهری ایران با اعلام این مطلب گفت: در چند سال آینده مفهوم شغل با آنچه امروز بابرگزاری آزمون استخدامی محقق می شود تفاوت معناداری خواهد داشت و شافلان به آن بخش از افراد فعال حوزه کار آفرینی اطلاق می شوند، که از استعداد و حرفه و تخصص ویژه ای برخوردارند و می توانند از نبوغ خود در فضای اقتصادی کشور بهره داری کنند.

مهدی آقابلیگی در ادامه با اشاره به کار آفرینی شهری ادامه داد: مدیریت شهری اکنون کار آفرینی شهری را به عنوان یکی از الزامات توسعه شهری در دستور کار قرار داده و توانمندسازی شهروندان برای استفاده از ظرفیتهای خالی مانده اقتصادی را پیش کشیده است. وی تاکید کرد: مراکز توانمند سازی زنان بی سرپرست در محدوده شهرها یا برگزاری جشنواره "فن بازار" از مصادیق پیوند شهری با کار آفرینی است که در مراحل اولیه خود قرار دارد؛ همچنین فعالیتهای صورت گرفته مناطق ۲۲ گانه شهرداری برای استفاده از انرژی های نو و اشتغال افراد در همین زمینه بوده است.

آقابلیگی در پاسخ به این سوال که کشوری نظیر ترکیه چقدر توانسته از کار آفرینی شهری استفاده کند، گفت: کلان شهرهای آسیای و اروپایی به تناسب قدرت چانه زنی خود توانسته اند در حوزه کار آفرینی و ایفای نقش در اقتصاد شهرهای تحت مدیریت خود در این حوزه ورود پیدا کنند.

وی ادامه داد: اکنون بیماری دولت زدگی مشکل اقتصاد ایران است و نباید در شهرها نیز رسوخ پیدا کند با این وجود هنوز کار آفرینی شهری به شکل سازمان یافته ای که تحت مدیریت یکپارچه شهری باشد تعریف نشده است.

عضو انجمن علمی اقتصاد شهری ایران ادامه داد: استان بول به عنوان شهری توریستی پذیرفته شده و کارگاه و بنگاهای کوچک و بزرگی در حوزه گردشگری ایجاد کرده است.

وی ادامه داد: مدیریت یکپارچه شهری با در اختیار گرفتن مولفه های اقتصادی، نظارتی و اجرایی توانسته است از سمن ها (سازمان های مردم نهاد) حمایت موثری داشته باشد، این در حالست که این مدیریت با چنین مختصاتی هنوز در ایران شکل نگرفته است.

نگاهی به کشورهای توسعه یافته نظیر انگلستان نشان می دهد در این کشور بانک ها با تعریف صندوق های سرمایه ای کسب و کار توانسته اند ۲ میلیارد پوند که ضمانت ۷۵ درصدی دولت را به همراه داشته است برای ابرای خلق بنگاه های خرد و کوچک شهری ایجاد کنند در آمریکانیز کسب و کارهای کوچک و متوسط شهری نزدیک به ۹۸ درصد از کل بنگاه های مشغول به کار را تشکیل می دهند و از سال ۱۹۹۴ بنگاههای کوچک که وام زیر یک میلیون دلار دریافت کرده اند با ۴ برابر افزایش در سال ۲۰۰۸ توانسته اند دو سوم درآمد بانکهای شهری این کشور را به خود اختصاص دهند.

به نظر میرسد راه اندازی کسب و کارهای کوچک در محیط شهری علاوه بر توسعه شهر می تواند تعریف جدیدی از بانکداری شهری به عنوان حامیان اقتصادی ارائه کند که هنوز جای پای خود را در اقتصاد شهری ایران محکم نکرده است.

هفته نامه «پدیده شهر» از محاصر ه شهرک رضویه توسط معاندان گزارش می دهد:

آقای قایمپاف! به خاطر خدا به داد ما برسید



افسانه قانع | ۵۰ سال است که زمان برای مردم شهرک رضویه ایستاده است. ۵۰ سال است که رویای مردم این شهرک داشتن آب برق و گاز است.

نیم قرن است که دنیا به ساکنان این شهرک که در حریم شهر تهران روی خوش نداده است. کودکان زیادی در طول سال های سخت این شهرک به سن میان سالی رسیده اند و هنوز در لابه لای هزاران آرزو بر آورده نشده شان به دنبال جاری شدن زندگی در این نقطه از شهر زیر پونز نقشه تهران هستند. هر روز ساکنان حاشیه این شهرک مرثیه زندگی را لابه لای خاک و فقر و اعتیاد مرور می کنند. گویی ساکنان حاشیه نشین این شهرک در طالع نحسی ساکن این فضا شده اند. چرا که در میان تازینه های زندگی ۸ سال است که در محاصر معتادان و کار تنخواب هاند گی به تاراج رفته شان را با ناامیدی نگاه می کنند. اگر می خواهید داخل دنیا را ببینید؛ حتما سری به حاشیه شهرک رضویه بزنید؛ جایی درست زیر بزرگراه در حال تاسیس شهید نجفی رستگار که تنها نقطه امید ساکنان این شهرک برای بیرون آمدن از سال های سخت محاصر هاست. اما آنها می دانند تازمانی که گرمخانه خاوران در ورودی شهرک باشد و تپه های اطراف این شهرک هم در تسخیر ساقی هایشان نندگی کابوسی است که هر لحظه انباش به انداز هزار سال به طول می انجامد. اینجا اگر معتادان در روز روشن خانه ات را به آتش کشیدند و اموالت را به تاراج بردند؛ نباید فریاد بزنی. چرا؟ چون در خارج از حریم تهران ساکن هستی! حریم نشین هادر اینجا تنها با چشمان گریان زندگی خود را به دستان ناپاک دزدان معتاد به عنوان غرامت یک جنگ نابرابر می دهند؛ تا شاید کودکانشان زندگی در ترس راجع نه کنند. اینجا سراسر زمین فراموش شدگان است چرا که ساکنان جنوب شرقی ترین خانه تهران نه آب دارد نه برق و گاز... در شهرک رضویه کبری دیگر دختر جوانی نیست که تصمیم گیری در جنوب شرقی ترین نقطه تهران باشد در کتاب درسی کودکان اینجا کبری زن ۵ ساله ای است که خانه اش آخر تهران است. تصمیم گیری در جنوب شرقی ترین نقطه تهران؛ بحفظ خانه ویرانه اش به عنوان اولین و آخرین پناهگاه است حتی اگر این ویرانه امید نه آب داشته باشد نه گاز!

از گزند سرما روشن کرده اند؛ دیده میشود. کار تنخواب هایی که حاضرند به جای ماندن در گرمخانه شب خود را در گرمای آتشی که روشن کرده اند به صبح بچسبانند. «به ما توهین می کنند... چرا یک بچه کم سن و سال باید به من توهین کنند... نمی خواهم داخل گرمخانه بروم... حاضر در این سرما بمیرم اما یک بچه سوسول به من توهین نکند...» ساکنان شهرک رضویه اعتقاد دارند از زمانی که گرمخانه خاوران در این محله ساخته شد؛ هم پای معتادان و کار تنخواب ها به شهرک باز شد و هم ارتفاعات محله توسط مافیای فروش مواد مخدر قبضه شد. «... پشت گرمخانه خاوران سه مدرسه ابتدایی قرار دارد که هر روز بچه های این محله شاهد صحنه های ناگواری از معضلات اجتماعی هستند... داخل محله هم کودکان روی سرنگ های مصرف شده معتادان بازی می کنند... دختران شهرک رضویه هم مجبورند تا برای ادامه تحصیل در مقطه دبیرستان به شهرک های اطراف بروند...»

حتما به حسابتان می رسند... از همین پایین هم می توان قلعه مخوف مافیای مواد مخدر را در ارتفاعات شهرک رضویه متصور شد...» هر ماده مخدری که بخواهی آن بالا پیدا می شود... از هروئین گرفته تا شیشه... قیمت هر ماده مخدر هم به اندازه مصرف روزانه و هفتگی بین ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان می شود... حتما تعداد خریداران از ۲۰ تا بیشتر باید باشد... توی سف می ایستیم... اگر کم باشیم ساعت ها آن بالا داخل صف می ایستیم تا تعدادمان ۲۰ نفر شود آن وقت یکی از ساقی ها پول جمع می کند و یکی دیگر مواد را بخش می کند... دست از پا خطا کنیم... می کشمون... همون بالا هم می شود مصرف کرد...» این ها را برپیرمردی می گوید که در روزهای سرد تهران پشت درهای گرمخانه خاوران مانده بود تا ساعت شش درهای آنجا به رویش باز شود. در تپه های این شهرک درست زیر بزرگراه در راه تاسیس شهید نجفی رستگاری یا کمی آنطرف تر شعله آتش هایی که کار تنخواب ها برای در امان ماندن

تشکیل می دهند... متوسط جمعیت خانه های کوچک این شهرک ۴ نفر است... ۷۰ درصد از خانه های رضویه تک خواب هستند و گاهی در یک خانه ۴۰ متری سه خانوار زندگی می کنند...» کودکان شهرک رضویه هر روز صبح سر که بلند می کنند؛ در ارتفاعات مشرف بر این شهرک موتور سواری را می بینند که به اصلاح خودشان زاغ زن های مافیای مواد مخدر هستند. هر ساعت از شبانه روز این شهرک معتادان زیادی به سختی از تپه های این شهرک بالا می روند تا در صف خرید مواد مخدر قرار بگیرند... «... من که بچه این محله هستم تا الان جرات نکردم تا از این تپه ها بالا بروم... اعضای باند مواد مخدر اینجا با شمشیر، چاقو و حتی اسلحه از خجالتت در می آیند...» آنطور که اهالی شهرک رضویه می گویند گردانندگان این باند لک هستند... به همین خاطر به راحتی اسلحه گرم و سرد در اختیار دارند و اگر بخواهی برای درآمد میلیاردی شان مزاحمت ایجاد کنی؛

زندگی در شهرک رضویه یک مرثیه واقعی است که نیم قرن است که سینه به سینه از پدران به پسران و از مادران به کودکان منتقل می شود. ساکنان این شهرک در دست در ابتدای جاده امام رضاع) می دانند که زندگی شان در این شهرک به جرم فقر است. اما مجرم ترین ساکنان این شهرک حاشیه نشینان آن هستند. از بزرگراه بسیج که وارد جاده امام رضاع) می شوی؛ درست بعد از میدان آقانو یا «ثامن الحجج» وارد مسیر کندرو می شوی. آن وقت است که سر و کله گاراژهای بزرگ نمایان می شود. گاراژهایی که برخی از آنها محل نگهداری ماشین های سنگین است. بلدوزرهایی که تپه های آنها در غروب خورشید مانند درختانی سر به آسمان سپرده اند... مالکان این گاراژها افراد پولداری هستند که خیرشان به ساکنان این شهرک که نمی رسد؛ هیچ؛ فعالیتهای آسیب های زیست محیطی زیادی را به رضویه تحمیل کرده اند... اینجا دیوار خیلی از گاراژها در حال ریختن است... اما برای مالکان پولدارش ریختن دیوار به چشم نمی آید... حتی حاضر نیستند دیوارهای رنگ و رو رفته گاراژهای خود را نقاشی کنند... شهرداری با اینکه از خودش هزینه کرد که تابلوهای این گاراژها را یکسان سازی کند... یک میلیارد تومان هزینه کرد، اما داخل این محیط ها مشکلات زیست محیطی دارند...»

اما اگر از مشکلات گاراژهای شهرک رضویه بگذریم؛ شمال و شرق این محله حریم نشین در معرض اعتیاد قرار دارد. واقع شدن گرمخانه خاوران در شرق این شهرک و محاصر ه تپه های پشت گرمخانه توسط بزرگترین باند مافیای مواد مخدر حتی شمال این شهرک را نیز در گیر معضل اعتیاد کرده است... «... از ۴۲ هزار نفر جمعیتی که در شهرک رضویه زندگی می کنند؛ ۳۰ هزار نفر در گیر اعتیاد هستند...» همین جمله کافی است تا آخر مرثیه این شهرک را از بر کنی... «... ۱۰ درصد جمعیت این شهرک را افغانی ها، غربتی ها و کولی ها



وضعیت آمار ایدز در کشور تا خرداد سال جاری ۳۶۷۰ نفر است که این آمار را ۸۴ درصد مرد و ۱۶ درصد زن تشکیل داده اند

افزایش ابتلا به ایدز در یک سال اخیر

رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت گفت: طی آمارهای یک سال گذشته ابتلا به ایدز از طریق روابط جنسی بسیار افزایش یافته است و علاوه بر آن حدود ۷۰ درصد از مبتلایان کشور از ابتلای خود به این بیماری آگاهی ندارند این ۲ عامل بیشترین درصد سرایت بیماری به دیگران را به خود اختصاص داده‌اند.

رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت به مناسبت روز جهانی ایدز گفت: طی آمارهای یک سال گذشته ابتلا به ایدز از طریق روابط جنسی بسیار افزایش یافته است و علاوه بر آن حدود ۷۰ درصد از مبتلایان کشور از ابتلای خود به این بیماری آگاهی ندارند این ۲ عامل بیشترین درصد سرایت بیماری به دیگران را به خود اختصاص داده‌اند. پروین افسر کارزونی رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت به مناسبت روز جهانی ایدز در رابطه با وضعیت بیماری ایدز در کشور به جام جم آنلاین گفت: وضعیت آمار ایدز در کشور تا خرداد سال جاری ۳۶۷۰ نفر است که این آمار را ۸۴ درصد مرد و ۱۶ درصد زن تشکیل داده‌اند. که به طور کلی ۶۸،۲ درصد از طریق اعتیاد تزریقی، ۱۸،۵ درصد از طریق روابط جنسی و ۱،۵ درصد از مادر به فرزند منتقل می‌شود. البته در موارد جدید ابتلا در یک سال گذشته ۳۹ درصد از طریق اعتیاد تزریقی ۴۱،۰ درصد از طریق روابط جنسی و بالای ۳ درصد از مادر به فرزند منتقل می‌شود که ۶۶ درصد مرد و ۳۴ درصد زن هستند. آمار جدید در مراسم روز جهانی ایدز اعلام می‌شود.

وی افزود: طی آمارهای یک سال گذشته ابتلا به این بیماری از طریق روابط جنسی افزایش یافته است که بخشی از این انتقال از طریق عدم آگاهی فرد مبتلایی است که بیماری را به همسرش منتقل کرده لازم به ذکر است در صد عمده‌ای از خانم‌های مبتلا به ایدز از این طریق درگیر این بیماری شده‌اند به هر حال آنچه که آمار نشان می‌دهد این است که انتقال از طریق اعتیاد تزریقی رو به کاهش است چرا که برنامه‌های گسترده‌ای در این محور صورت گرفته است به عبارتی از سال ۸۳ در رابطه با کاهش آسیب، راه اندازی مراکز کاهش آسیب، توزیع سرنگ و سوزن، راه اندازی کلینیک‌های متادون کمک قابل توجهی به کاهش این آمار کرده است.

او با بیان اینکه حدود ۷۰ درصد از مبتلایان کشور از ابتلای خود به این بیماری آگاهی ندارند در ادامه متذکر شد: معضل اصلی عدم آگاهی فرد مبتلا به بیماریش است لذا افرادی که تشخیص داده می‌شوند تحت مشاوره، آزمایش، تشخیص و در صورت ابتلا مراقبت و درمان بصورت کامل‌محرمانه و با رعایت رازداری روی افراد صورت می‌گیرد. حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از زنان باردار ویروس‌رانی می‌توانند در طول بارداری و شیردهی به فرزند خود منتقل کنند اما اگر خانم باردار مبتلا تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرد این خطر به ۲ درصد و حتی کمتر از آن کاهش پیدایی کند همان طور که گفتیم مشکل اساسی آن دسته از افراد مبتلا هستند که از بیماری خود بی‌اطلاع‌اند.

رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت متذکر شد: شیوع مصرف مواد محرک مانند شیشه در کشور رو به افزایش است یکی از ویژگی‌های مخرب این مواد محرک بروز آسیب‌های جنسی در جامعه است و از طرفی آگاهی در رابطه با سلامت جنسی و باروری در جامعه از سطح پایینی برخوردار است و از آن بدتر جوانان و نوجوانان اطلاعات را از کانال‌های نامعتبر دریافت می‌کنند لذا همین مسئله باعث بروز مشکلاتی دیگر شده و همچنین عدم آگاهی در بحث انتقال جنسی یکی از دلایل گسترده و مهم این بیماری تلقی می‌شود. کارزونی افزود: موارد ذکر شده که با حساسیت بوجود آمده در مسئولین با توجه به چهارمین برنامه استراتژی کنترل ایدز که در اسفند ۹۴ با حضور رئیس جمهور تصویب شد تصمیم بر آن گرفته شد در بحث عملیاتی شدن برنامه‌ها و آموزش به جد وارد عمل شویم و در حدود ۲۳ سازمان و وزارت خانه دست اندر کار این برنامه‌ها هستند اما این همکاری به تنهایی کافی نیست و ما نیاز به مشارکت و همکاری سازمان‌ها، رسانه‌ها و از طرفی مردم که مهم‌ترین بخش این برنامه‌ها هستند را داریم چرا که موضوع اساسی در این رابطه سطح آگاهی مردم جامعه است که اگر اطلاعاتشان را در مورد این بیماری و راه‌های انتقال آن بخصوص انتقال از طریق روابط جنسی را بالا ببرند کمک شایان‌ذکری به کاهش آمارها می‌کنند. موضوع دیگر در رابطه با جوانان و نوجوانان است چرا که این قشر جوان جامعه بیشتر در معرض خطر قرار دارند لذا جوانان باید دقت داشته باشند در خصوص خودمراقبتی در برابر گرایش به آسیب‌های اجتماعی و همچنین ابتلا به بیماری‌های گوناگون آمیزشی اطلاعات و مهارت‌های خود را بالا ببرند از طرفی نقش والدین در کسب این مهارت‌ها بسیار حائز اهمیت است چرا که کسب مهارت‌ها از جمله عزت نفس، قاطعیت و نه گفتن، کنترل اضطراب، تصمیم‌گیری و... به دست والدین بهتر و اساسی‌تر شکل می‌گیرد.

زمین چمن شهرک رضویه تنها نقطه امید کودکان و نوجوانان

تنها افتخار شهرک رضویه در وادی اعتیاد زمین چمنی است که پشت گرمخانه خاوران چسبیده به بزرگراه شهید نجفی رستگار قرار دارد. «... اول این زمین آن سوی اتوبان بود... اما بعد از ساخت این اتوبان به این سوسی بزرگراه منتقل شد... با چنگ و دندان این زمین را حفظ کرده ایم... هر چند معنادار پروژکتورها و سیم‌های برق این زمین را برای خرج مواد خود دزدید... با اینکه اطراف زمین را دیوار کشیدیم اما معنادان برای دزدی از این دیوارها هم بالا می‌روند... گل این محل زمین فوتبال آن هست. شهرک کاروان استخر ندارد و تنها یک استخر داخل شهرک مشیره قرار دارد... خیلی از تیم‌ها از محله‌های دیگر به این زمین چمن می‌آیند و فوتبال بازی می‌کنند... حتی از محله مامازن و ورامین هم به اینجا می‌آیند. از این زمین ساعتی استفاده می‌شود... از برخی تیم‌ها پول می‌گیرند. الان بازی‌های جنوب شرق تهران را اینجا برگزار می‌کنند و شورایی هر سانس ۳۵ هزار تومان از تیم‌ها می‌گیرد... بازی کردن بچه‌ها داخل این زمین تا غروب آفتاب امکان‌پذیر است بعد از آن چون این زمین روشنایی ندارد در آن توسط آقا یاسر بسته می‌شود...» این‌ها را جوان قد بلندی می‌گوید که از محله اش تنها همین زمین فوتبال را بلد است. سعی می‌کند زیاد در محل رفت و آمد نکند تا مصیبت‌های محله را نبیند. «... کاسب بازار هستم و سعی می‌کنم داخل محله نباشم و فقط به همین زمین چمن می‌آیم تا با دوستانم فوتبال بازی می‌کنم... امیدوارم که این اتوبان راه بیفتد تا شاید وضعیت شهرک بهتر شود... بیشترین آسیب شهرک رضویه گرمخانه خاوران است که ابتدای شهرک ساخته شده است... همین گرمخانه کافی است تا مردم در ذهن خودشان تصور کنند که تمام افرادی که داخل این شهرک زندگی می‌کنند؛ معنادند... چرا این گرمخانه را داخل بیابان‌ها نزدند... شب‌ها معنادان شب‌ها داخل گرمخانه می‌خوابند

وروزها که بیرونشان میکنند داخل محله می‌شوند... یک دفعه می‌بینی که ۱۰۰۰ معتاد وارد محله می‌شود و در همین تپه‌ها آتش روشن می‌کنند...» هنوز ساکنان شهرک رضویه نمی‌دانند که پدرخوانده باند مافیای مواد مخدر ارتفاعات شهرک چه کسی است. اما آنها با هم‌مرم‌د قوی هیکلی را دیده‌اند که معتادها از او حساب می‌برند. «... معتادها اگر پولی برای خرید مواد نداشته باشند وارد محل می‌شوند یا ضبط ماشینی می‌دزدند و یا وارد خانه‌های مردم می‌شوند... گاهی اوقات می‌بینیم که یک معتاد کنار پیاده‌راه افتاده است... اینجا یک شهرکی است که انتهای آن بسته است... در شهرک رضویه

افغانی‌های زیادی ساکن شده‌اند... شنیده‌ام یک پسر قوی هیکلی هست که روزی دو تا سه کیلو مواد مخدر را در تپه‌های شهرک را در عرض دو تا سه ساعت پخش می‌کند و می‌رود...»

۱۰ سال است که در خاک زندگی می‌کنیم

«... تمام این محله مشکل دارد... حاشیه نشینان شهرک نه آب دارند، نه برق و گاز، سی‌سالی می‌شود که اینجا ساکن هستیم... امیدواریم اتوبانی که دارند می‌سازند، ما را نجات بدهد... زمانی که شهرک کاروان وجود نداشت؛ خانه‌های حاشیه شهرک رضویه ساخته شده بود... اما ۵ سال است که مسئولان مردم این شهرک را فراموش کرده‌اند...» این‌ها آقا یاسر می‌گوید. کلید دار



به ضایعات فروشی‌ها بفرشند... رفتیم و از آنها گرفتیم... در خانه باز باشد کیسول گاز را جلوی چشمانت می‌برند... اکثر ساکنان این خانه‌ها پیر هستند... خدیجه خانم ۷۰ سال دارد و ننه حمید گودرزی ۶۰ ساله هست و معتادها از شان چیزهای زیادی دزدیدند...»

ساکنان اینجا حرف‌های زیادی دارند و از وعده‌هایی می‌گویند که هیچ وقت برآورده نشده است: «... ۱۰ سال هست که می‌گویند می‌خواهیم خانه‌هایتان را خراب کنیم... اما کاری نکردند... بالاخره باید تکلیف ما را روشن کنند... ۱۰ ساله در خاک زندگی می‌کنیم... کسی برای ما کاری نکرده... الان خودم یک ماه هست که گفتم دو تا کارگر بفرستند تا زباله‌های اطراف



زمین چمن را جمع کنند؛ هنوز کسی رانفر ستاده‌اند... خودم این کار را می‌کنم... شهرداری برای این زمین سرویس بهداشتی ساخته است اما آب ندارد... بچه‌هایی می‌توانند استفاده کنند... ۴۰۰ تومان در ماه به من حقوق می‌دهند و من هم باید مراقب زمین باشم هم مراقب معنادان که داخل زمین نشوند...»

بیرون از زمین فوتبال ماسه‌های سیاه رنگ تا پایین ریخته شده است: «... این خاک‌ها را دو ماهی می‌شود که اینجا ریخته‌اند... در سرما ماشینی از این تپه بالا نمی‌آید... به همین خاطر ماسه ریخته‌اند تا ماشینی‌ها بتوانند آن بالا بروند... اما این ماسه‌ها را شده است... همینطور که می‌بینید...»

در حاشیه شرقی‌ترین نقطه شهرک رضویه خانه‌هایی وجود دارد که دیوارهای آن را ابرانیت‌های زده تشکیل می‌دهد: «گاهی اوقات شب‌ها کامیون‌های زباله می‌آیند همین وسط آشغال‌هایی را که بار زده‌اند و بیشتر نخاله‌های ساختمانی است را خالی می‌کنند... مجبور هستیم با چوب دنبالشان کنیم تا این کار را نکنند...»

ادامه در صفحه ۱۳





بیش از ۹۰ درصد اهالی جنوب شرقی ترین محله تهران فقیر هستند؛

بندبازی روی خط فقر



جنوب شرقی ترین محله تهران «رضویه» نام دارد. این محله در منطقه ۱۵ شهرداری تهران واقع شده است. قدمتی طولانی و ترکیب معماری متنوعی دارد. این محله یکی از ۵۳ محله ی نیازمند تهران محسوب می شود. آنگونه که شورایاران این محله می گویند، بیش از ۹۳ درصد جمعیت آن زیر خط فقر به سر می برند؛ البته خط فقری که مبنای مناسب آن معلوم نیست چه می باشد (شاید فوشبینانه می گویند). مردمانی شریف و قانع دارد که عمدتاً کارگر هستند. به قول یکی از شورایاران، اگر یک روز کار نکنند، شیش نان برای خوردن ندارند. سقف مطالبه این مردم شریف چندان بالا نیست. و مورد گرمفانه، آنچهان زندگی آنها را تحت تاثیر قرار داده است که تنها فواسته ی آنها جمع کردن گرمفانه از این محله می باشد. در مالی که مشکلات و چالش های زیادی دارند. مرف و فواسته ی آنها کاملاً به مق و مذاقلی است. در راستای بررسی و طبع مسائل و مشکلات مملات ممرم تهران، در این هفته به سراغ شورایاران و اهالی محله «رضویه» رفتیم. آنچه در زیر می آید، مامصل یک نشست چند ساعته با آنها می باشد که در زیر تقدیم می شود:



هشت سال دوندگی بی نتیجه

چهار هکتار فضای سبز داریم. حساب کنید دیگر ببینید نفری چند سانتی متر می شود؟ در اطراف محله مان مکان برای فضای سبز موجود است و در اختیار منابع طبیعی هم قرار گرفته است. هر چند سند به نام مردم است، ولی در اختیار منابع طبیعی است که می تواند آنجا فضای سبز ایجاد کند. در زمان کرباسچی کمر بند سبز درخت کاشتنده، ولی چه فایده! ثمری برنداشتنده. اینجا به جای اینکه ثمری برداشت کنیم و در سایه بنشینیم، عده ای آمدند آنجا یکسری گاوداری و خروس داری و مرغداری پرورش دارند می دهند، به هیچ کسی هم جواب نمی دهند! بهداشتمان که اینجا بهداشتمان داریم، خانه بهداشتمان داریم، نه اینکه نداشته باشیم! ولی در حقیقت مادر اینجا ۳۶،۳۵ سال یا ۴۰ سالگی که ما داریم اینجا ساکن هستیم، به هر ارگانی مراجعه کردیم که یک دبیرستانی اینجا بزنند، نه از آموزش و پرورش خبری شنیدیم! نه شهرداری و نه از شورای شهر، الان دبیرستان نداریم.



دبیرستان نداریم وی سپس به ارزیابی عملکرد شهرداری پرداخت و افزود: تقریباً ۵ سال پیش، آن چنان از طرف شهرداری توجه خاصی به اینجانب می شد، ولی از دو سه سال پیش به این طرف کارهای چشمگیری انجام شده است. پارک ساختند و کمر بندی دارند در حال حاضر می سازند، ولی هنوز راه نیفتاده است. از نظر فضای سبز که صفر هستیم. اینجا قریب به ۵۰۰۰ نفر ساکن هستیم. به طور کلی

موسی الرضا اسماعیل زاده عضو شورایاری محله «رضویه» معروف به عمو شیخ محله، نخستین سخنران این نشست بود. وی که سابقه چهار ساله زندگی در این محله را با خود همراه دارد، در خصوص مشکلات محله چنین گفت: مشکلات محله را هم به شورای شهر مستقیماً رساندیم و هم اعضای آن را دعوت کردیم آمدند و دیدند از نزدیک. شهردار تهران را دعوت کردیم، آقای قالیباف آمد از نزدیک مشاهده کردند، شهردار منطقه خودمان آقای انجمنی از نزدیک دیدند. مهم ترین معضلی که ما داریم، گرمخانه است. این گرمخانه مدیریت، بهداشت و فرهنگ محله را به هم ریخته است! خیلی هم تلاش کردیم حدوداً هشت سال است که دنبال این کار می رویم که از ارگان های مختلف، تا بتوانیم از اینجا انتقال دهیم به محله دیگر، جای خلوتی، نه در بافت محله مسکونی! یک جایی باشد که بافت مسکونی نباشد. ما با آن مخالف نیستیم، ولی با سیستم کاری آن گرمخانه مخالف هستیم.



تسرس از سیل



الان سیل همه را می برد و همه از زلزله می ترسند، اما ما از سیل می ترسیم. یک پاساژی هم پایین آن هست، واقعا بعضی موقع ها آدم می ترسد که اگر یک بارانی بیاید آن پاساژ را هم ببرد. در آنجا یک حادثه تلخی پیش بیاید. فقط قول می دهند

وی ادامه داد: من، چون دوره اول در شورایاری هستم. از آقایانی که سه دوره است که در شورایاری هستند، شنیدم که برای این کانال فقط یک قول هایی می دهند، ولی دریغ از به قول خودمان، کوچک ترین حرکتی که برای محله انجام دهند، مشکل مدرسه را که عمو شیخ گفت. من یکبار دیگر می گویم که متأسفانه دختران دبیرستانی ما از اینجا می روند مسعودیه، افسریه و مشیریه. کمبود فضای سبز را هم عمو شیخ گفتند و من دیگر توضیح نمی دهم. بزرگ ترین و آخرین حرفی که می زنیم این است که ما یک شهر کی هستیم اینجا، اما متأسفانه دریغ از یک ارگان

معاونت پرورشی در شمال تهران دارم و سه سال سابقه دفتر و کالت به عنوان مشاور بودم. الان هم در حال حاضر در کار آزاد مشغول به فعالیت هستم. اولیسن و آخرین مشکل ما گر مخانه است. اما یکسری مشکلات دیگر هم داریم، مثلا الان خیابان ۱۵ متری داریم که یک خیابان هم بیشتر نداریم که مشکل کانال دارد. یعنی وقتی باران می آید، همه مردم ما این مشکل را دارند که خدای نکرده

خلیل اسدی زاده دومین عضو شورایاری محله «رضویه» بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت هستم. وی نیز به مانند دیگر شورایاران مشکل اصلی محله را وجود گر مخانه عنوان کرد و افزود: اولین دوره شورایاری عضو اصلی و عضو هیئت رئیس شورایاری هستم و لیسانس علوم تربیتی دارم. کارشناس ارشد و مشاوره خانواده خدمتتان عرض کنم که هفت سال سابقه



اجرا کنند. همین طرح شهید رستگار ۷ سال است مردم دارند خاک می خورند. تازه اسمال آقای قالبیاف آمدند، از ایشان تشکر می کنیم که آمدند، یک ذره تسریع دادند در کار تا شاید به بهره برداری برسد، البته مشکلات عمرانی زیاد بوده است؛ ولی از یک طرف نباید کار شهرداری را نادیده بگیریم در یک سالی که من آمدم در شورایاری، دیدم که یک قدم هایی برداشته شد. قبل از این، بیشتر فعالیت های ناحیه در محله مشیریه انجام می شد، الان مقایسه کنید که شهرک مشیریه چقدر آباد و زیبا است. ما نمی گوئیم که چقدر آباد است، می گوئیم اینجا آباد است، باید آباد تر باشد، ولی ما هم باید دیده شویم. ما هم اینجا داریم عوارض می دهیم، ما هم مثل آن ها هستیم که هر چقدر دولت نیاز دارد از لحاظ قانونی و مستندات دارد از ما می گیرد. ما هم می رویم جواز می گیریم، راحت آن مواردی که می خواهند از ما می گیرند؛ یعنی چیزی نیست که بخشش وجود داشته باشد که



انقلاب مشکلات پیش می آید و باعث افتخار ما هم است که باشیم و هستیم، به شما هم نگاه نمی کنیم، صرفه اقتصادی داریم برای کشور! ولی در بقیه موارد که ما به شما نیاز داریم، صرفه اقتصادی نداریم، بنویسید این را! اصلا شما تحقیق کردید ببینید که صرفه اقتصادی دارد یا نه! ما اینجا ۸۳۵ عدد مغازه داریم که به هر حال دارند کار اقتصادی انجام می دهند، اگر همه این ها بیایند در بانک شما حساب باز کنند، اتفاقا خیلی فضای آن از جاهای دیگر بالاتر می رود، شما آمدید و دیدید؟ شما از دور ادور محله ما را نگاه کردید. گفتید شهرک رضویه محروم هستند و کسی پول ندارد، این طوری هم نیست! ما داریم افرادی که تمکن خوبی هم داشته باشند و بتوانند اینجا فعالیت کنند و بانک ها را هم فعال کنند. حداقل انتظار مان این است که یک شعبه بانک داشته باشیم اینجا. حتی خود پرداز، دیگر چیز پیش پا افتاده است، تمام کوچه های محله های دیگری بر است، ما اینجا شاید ۴، ۵ تا خود پرداز داشته باشیم که مردم در صف می ایستند، برای انجام کارهای اولیه خود باید کلی وقتشان صرف شود! یا برای کارهای بانکی خود باید بروند شهرک های دیگر! این هم بخش دیگر از مشکلات ما است!

دبیرستان دخترانه نداریم!

وی سپس به کمبود مدرسه در محله اشاره کرد و گفت: تحصیل حق هر دانش آموزی است. الان تمام دنیا دنبال این می گردند که بچه ها را بیابانند، سواد به آن ها یاد دهند. آداب و مهارت های زندگی را به آن ها نشان دهند، چه جایی بهتر از مدرسه است ما الان در این زمینه مشکل داریم و کسی هم جوابگو نیست، به هر کسی هم که می گوئیم ما مدرسه نداریم. ما الان در شهرستان آشتیان ۲۸ مدرسه داریم، ۸۰۰ نفر دانش آموز داریم. بعد مادر یک مدرسه ابتدایی در یک شیفت ۸۰۰ تا دانش آموز داریم! در شیفت مخالف آن هم ۸۰۰ نفر دانش آموز داریم! حتی ما دبیرستان دخترانه نداریم! دخترهای ما با این معضلات و مشکلات محله که از گر مخانه و از دیگر مشکلات گرفته و فقر فرهنگی و... داریم، می روند در شهرک های اطراف برای تحصیل! ما حتماً است که مدرسه داشته باشیم! ما چرا نباید مدرسه داشته باشیم؟ به هر کسی می گوئیم، می گویند به شهرداری بگو، شهرداری می گوید، به من ارتباطی ندارد، به آموزش و پرورش بگویید! بعد چه کسی مسئول است یک نفر باید این مسئولیت را قبول کند و حق مردم را ادا کند! به قول معصومی می گوید: بزرگ ترین عبادت این است که ما بیاییم معصیت نکنیم! چه معصیتی بالاتر از اینکه ما ظلم می کنیم به دیگران؟ وقتی ما مدرسه نداریم، یعنی داریم ظلم می کنیم، یعنی این خانواده این حق را دارد که بچه خودش در محله خودش تحصیل کند. اصلا این تمکن مالی دارد که برای این بچه سرویس بگیرد که برود فلان شهرک! آقایان خیلی راحت نشستند، بچه خودشان که در این محله نشستند! می گویند آقا سرویس این مدرسه چند است! بعد می گویند در شهرک مشیریه است و آن ها می خواهند چند سال دیگر بروند دانشگاه و این طرف و آن طرف، خب آقا دانشگاه و دانشجو با دانش آموز خیلی تفاوت دارد! بارها خود مسئولان گفتند، این ها یک تمرینی می شود که به قول

دیگر: آقا این چه توجیهی است! این هم مشکل مدرسه ما است.

هفت سال است که مردم خاک می خورند

این شورایاری در ادامه افزود: اینجا به این علت که از قبل جزء محدوده شهری نبوده است، طراحی خیابان های آن اصولی نیست و یکسری مشکلاتی است که انتظار می رفت این شکلی طراحی نشود، این که ما مجبور شویم این خانه را برداریم که اتوبان از وسط شهرک برود، حالا یکسری طرح های داریم که ناتمام است و مردم بلا تکلیف هستند! چند تا طرح را آوردند و گفتند، ۱۰ متری انیسی و قائم در بلوار شهید عراقی طرح است. الان مردم حق خرید و فروش خانه ندارند! آنجا طرح است، مردم که می خواهند آنجا را بفرشند؛ ولی نه اجازه فروش را دارند، نه اینکه می توانند بسازند. باید تعیین تکلیف کنند و آن را



خونه یکی از مسئولان گفتیم، بروید در خانه خودتان واقعا اگر دلتان خیلی به حال مردم می سوزد ببریم بغل خانه خودتان گر مخانه بزنید! مرگ را برای همسایه می خواهید! ما می آییم مشکلات را فراق کنی می کنیم و صورت مسئله را پاک می کنیم. بیاییم واقعا چاره اندیشی کنیم. ما با گر مخانه مخالف نیستیم، با معضلات آن مخالف هستیم! آن را ببرند خارج از محله ای که مسکونی باشد و آنجا بگذارند و برای آن ها کار آفرینی کنند. خود ما نیز می رویم کمک می کنیم. خود من هم، به عنوان نماینده مردم این محله نوکرشان هم هستم. اصلا معتاد های این محله را خودمان پوشش می دهیم. نه اینکه کل ۸، ۱۰ میلیون جمعیت تهران همه معتادان پرخطر آن را جمع کنیم، بعد بیاییم اینجا گر مخانه ایجاد کنیم. یکی از مسائل اصلی ما است. ما به مسئولان شهری هم گفتیم، ما هیچ امکاناتی از شما نمی خواهیم فقط این را از اینجا ببرید. ما اصلا نیازی به امکانات شما نداریم! ما که از هر جهت اینجا فقیر هستیم. هم از نظر ظاهری، بگذارید باشیم فقط معضل اصلی اینجا را ببرید. مردم در هر مسجدی می رویم، واقعا از ما عاجزانه می خواهند که تورو خدا فقط این گر مخانه برود. این لکه ننگی که اینجا دارند از اینجا برود. ما یک همسایه ای داشتیم این بنده خدا سه، چهار تا دختر جوان داشت، فقط به خاطر اینکه این بنده خدا رفتگر بود، شغل درست و حسابی نداشت کسی نمی آمد جلوی یعنی می گفتند آقا پدر آن ها رفتگر است و فلان... ببینید چقدر تاثیر گذار است یک شغل در یک خانواده چقدر تاثیر گذار است بعد خود گر مخانه با خودش یک فرهنگی را می آورد، یک موقع می آید یک مسجد، کتابخانه یا یک دانشگاه می سازند، چرا کتابخانه ملی را نمی آورند اینجا؟ کتابخانه ملی باید میدان ونک باشد و اینجا گر مخانه! ما می گوئیم باید در کنار یکدیگر باشند. اگر گر مخانه می آید در کنار آن کارهای فرهنگی و اساسی هم انجام شود؛ حالا من نمی توانم به شما بگویم، مثلا یک جاهایی تخریب کردند و مردم آنجا را آوردند یکسری از آن ها را اینجا حالا لزومی ندارد که من اینجا به شما بگویم یکسری کارهایی هم انجام شده که آدم خجالت می کشد که بگوید!

بانک های می گویند تاسیس شعبه در «رضویه» توجیه اقتصادی ندارد!

دبیر شورایاری محله «رضویه» در ادامه به دیگر مشکلات موجود در محل اشاره کرد و افزود: مشکل دوم، که مردم از لحاظ معیشتی دارند، بحث شغل است. الان در مرادیه های اقتصادی، ما اکثر کارهایمان را در بانک انجام می دهیم، آیا برای ۴۰۰۰۰ جمعیت فقط یک شعبه بانک باید داشته باشیم! من یک روز رفته در یکی از ادارات بانکی، گفتیم ما بانک می خواهیم برای محله مان، گفتند صرفه اقتصادی ندارد. گفتیم ایرادی ندارد، جواب نامه را بنویسید! گفتیم بنویسید که توجیه اقتصادی ندارد، گفت آقا من نمی توانم بنویسیم! گفتیم بنویسید من نمی روم بیرون! من آنقدر اینجا می مانم تا شما یک چیزی بنویسید! گفتیم موقع گلوله خوردن ما صرفه اقتصادی داریم، موقعی که برویم در حلب و سوریه، ما الان شهید مدافع حرم، شهید سرلرک را اینجا داریم! اولین شهید مدافع حرم! این جور جاها که برای

چرا «گر مخانه ها» کنار خانه مسئولان ساخته نمی شود؟!

هرورانی دبیر شورایاری محله «رضویه» دیگر سخنران این نشست بود. وی در ابتدا، به تشریح موقعیت جغرافیایی محله پرداخت و چنین گفت: اگر بخواهیم شهرک رضویه را تعریفی از آن کنیم و بدانیم کجاست و چه ویژگی هایی دارد، تاسیس شهرک رضویه برمی گردد به دهه پنجاه. من خودم سال ۵۱ بود که آمدم در این محله، بیابانی بود و یکی دو تا خونه بیشتر نبود. میدان آقانو، از دم سه راه افسریه، خانه های که به صورت تک خانه هستند می شد دید، البته نام این شهرک، شهرک کاروان بود، در مسیر جاده امام رضا (ع) قرار دارد و آخرین محله از منطقه ۱۵، از یک جهت به شهر تهران وصل است. محله رضویه هم اکنون حدود ۴۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد، با قومیت های مختلف، باید یکسری چیزها را داشته باشیم، امکانات باید داشته باشیم، ولی متأسفانه نداریم!

انبار مشکلات تهران

وی ادامه داد: اینجا یک انباری داریم برای نگهداری مشکلات شهر تهران، یعنی یک مامنی شده است برای آن ها. شهرک رضویه از نظر شهدایی در زمان جنگ تقدیم انقلاب کرد، حدود ۳۵ نفر شهید دارد که شهدای بزرگ و خوبی هم دارد، در عرصه های فرهنگی واقعا پیشتر بوده است. شما در انتخابات صندوق های مردم محله را نگاه کنید، می بینید که اکثر مردم احساس وظیفه می کنند و هر موقع نیاز داشته باشد اسلام و انقلاب، پیش قدم هستند و همه احساس وظیفه می کنند و خیلی مردم با محبتی دارد که یک قدم به سمت آن ها بروید، ده قدم می آید به سمت شما! مردمان نجیب و دوست داشتنی و اکثر آنها همان نواز هستند. با اینکه دست آن ها خالی است. چون من مدیر مدرسه ام هستم، شما می بینید که مردم چقدر فهمیده و چقدر کم توقع هستند، کوچک ترین محبتی که به آن ها می شود سعی می کنند جبران کنند. این خصوصیات شهرک رضویه است.

تقلید بچه ها از معتادان

این شورایاری سپس به طرح مشکلات محله پرداخت و افزود: شما می دانید که اولین چیزی که برای انسان مهم است، آرامش و امنیت است که در این محله واقعا امنیت وجود ندارد! به خاطر وجود گر مخانه! چون خانواده ها همه نگران هستند، همه خانواده ها نگران هستند که این بچه ها پیشان که الان دست معتادان و افرادی که پرخطر هستند، یعنی حرکات و رفتار پرخطری از خودشان نشان می دهند، چه اتفاقاتی می افتد! این بچه ها مثل دوربین فیلمبرداری به خوبی دارند رفتارهای آن ها را فیلم برداری می کنند. من خودم یک روز توی مدرسه یک سرنگی را از بچه ای گرفتم، فید دیدم داشت بازی می کرد! گفتیم اگر این سرنگ آلوده به اچ ای وی باشد، یکی از این بچه ها آلوده باشد، چه کسی می تواند جوابگو باشد! ما خیلی راحت از کنار آن ها می زنیم! این شهرک مشکل دار است. وی سپس گفت: مسئولان برای حل مشکل راحت ترین و کوتاه ترین راه را انتخاب می کنند. می گویند، ما الان کارتن خواب داریم که شهر تهران را به هم ریخته اند! خب ما بیاییم چه کار کنیم. بیاییم یک گر مخانه درست کنیم. گر مخانه خیلی خوب است و ما هم بانفس گر مخانه مخالف نیستیم! اصلا موافق هستیم. گر مخانه باشد، منتهی کجا باشد! ما می گوئیم خب بگردیم کجا؟ میدان بهارستان، خب تجمع نماینده ها است. خیابان پاسداران، نمی دانم مسئولان کشور و نمی دانم روسای کشور هستند، آنجا هم که نمی شود ببریم! می گردیم جاهایی که ضعیف است و بی سرو صدا باشد، به قول خودمان کم توقع باشند، ببریم شهرک رضویه، ببینید، من بارها گفته ام، این گر مخانه مثل یک جایی است که متعفن است و جایی است که بوی تعفن آن دیگران را آزار می دهد. ما در شهر می گوئیم، خب زباله ها را اگر بخواهیم جمع کنیم کجا ببریم بریزیم! یک جایی داریم دیو می کنیم. آن زباله های شهر را آوردند دیو کردند در محله ما و جلوی خانه ما و کسی هم دردی را احساس نمی کند. در جلسه ها ما بارها بلند شدیم، فریاد زدیم و داد زدیم که نمی شود که این طور شما می گوئید انجام دهیم. باید و می گوئید باشد، ولی کجا می گوئید باشه! حتی یک روز من رفتم در

محله ما هیچ شباهتی به محله ندارد! ورودی آن مثل گاراژ است! مثل گاراژ های بزرگی که اول شهرها است که کسی که وارد می شود برای تعمیر ماشین مثل ماشین های سنگین است یا در ورودی حتی فضای سبز قابل نیستند که آن ورودی را درست کنند و زیباسازی شود. فضای بازی ما زمین چمن بود که اگر خاطرات مان باشد، ما آن را تازه با همت شهردار ناحیه مان و دوستان شورایاری در این چند سال توانسته ایم دیوار کشی کنیم

یکی از مشکلاتی که داریم همین گر مخانه است. مجبوریم هر خانواده یک نفر را در خانه بگذاریم برای امنیت زن و بچه هایمان امنیت نداریم اینجا، یا ایزاری را می برند از داخل حیاط، یا دزدی می کنند، نه امنیت شغلی داریم و نه خودمان و نه خانواده های ما. وقتی دو نفر مرد هستیم، یک نفرمان را بگذاریم داخل خانه، چون وارد خانه می شوند و هر چیزی که هست، می برند! مشکلات ما بسیار است



انجام نمی دهد. خانم هم ناچار به کارهای نظافت و کارهای دیگر می پردازد؛ ما کاری که در طول این چند سال انجام دادیم، من از سال ۹۳ مشغول هستم اینجا، ایجاد اشتغال کردیم برای آن ها، محیط های تولیدی مثل خیاطی، عروسک سازی و غیره بچه هایمان معرفی کردیم الان خداروشکر مشغول به کار هستند و دارند کارشان را انجام می دهند

متأسفانه آن ها هنوز در نیاز اولیه چنان مانده و گرفتار شده اند که تا این نیازها برطرف نشود، دیگر نیازهای آنها برطرف نمی شود. خشونت در این خانواده ها بیداد می کند، که این هم بر اثر مصرف شیشه متأسفانه زیاد است و دارد زیادتر می شود! می شو! وی ادامه داد: به نظر من، مهم ترین اولویت برای

خشونت خانگی

خانوار عمده مشکلاتشان این است که بالای ۹۰ درصد این خانواده ها که تحت پوشش ما هستند، همسران آن ها دچار اعتیاد هستند، آن هم به مواد صنعتی مثل شیشه. اکثر آن ها از این مورد می نالدند و مهم ترین مسئله ای که باز هم درگیر آن هستند، نیاپکاراند. همسر اعتیاد دارد و در خانه نشسته و هیچ کاری

محبوبه اسپر هم کارشناس خدمات اجتماعی و امور بانوان محله «رضویه» دیگر شرکت کننده این نشست بود. وی در ابتدا به برخی از فعالیت های صورت گرفته توسط همکاران خود در محله اشاره کرد و افزود: ما در حال حاضر ۶۰ خانوار تحت پوشش داریم، اعم از ایتمام و افراد بی بضاعت که شامل زنان سرپرست خانوار هم می شود، این ۶۰



به دلیل ناامنی، همیشه باید یک مرد در خانه بماند!



خدا یار اسدی دیگر شورایاری حاضر در این نشست بود که نقطه نظرات خود را بیان کرد. وی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: گفتنی ها را گفتند. خیلی گفتنی داریم منتهی اگر به آن عمل کنند و به آن برسند. یکی از مشکلاتی که داریم همین گرمخانه است، مجبوریم هر خانواده یک نفر را در خانه بگذاریم برای امنیت زن و بچه هایمان، امنیت نداریم اینجا، یا ابزاری را می برداز داخل حیاط، یا دزدی می کنند، نه امنیت شغلی داریم و نه خودمان و نه خانواده های ما. وقتی دو نفر مرد هستیم، یک نفر مان را بگذاریم داخل خانه، چون وارد خانه می شوند و هر چیزی که هست، می برند! مشکلات ما بسیار است. همه شهرک ناقص است. نه پارک داریم اینجا، اطراف آن به طور کلی خالی است، ولی کسی اهمیت نمی دهد! آقایان رادعوت کردیم آمدند اینجا، شهر دارهای متفاوتی آمدند، ولی هیچ کسی اقدام نکرد. هر کسی آمد برای خودش یک حرفی زد و خدا حافظ شما و آخر سر هم به او می گوئیم آن را امضا کن! حرف هایی که خودشان می زنند اجرانی کنند! یعنی نمی خواهند کاری کنند.

وقتی پولی که می آید روی قبض های ما چند برابر، پس باید مصرف انرژی و امکانات هم افزایش یابد. می رویم می گوئیم آقای رئیس اداره برق، آیا می آید در جلسه شورایاری شرکت کنید؟ می گوید نه من وقت ندارم، قرار است مسئولان بیایند بازدید، مسئولان مگر چه کسی هستند؟ آن ها نوکر مردم هستند، باید بیایند به مردم خدمت کنند. مسئولان می خواهند بیایند چون آقای می ترسد که از امتیاز آن کم شود، یک هفته می گوید من وقت ندارم بیایم شرکت کنم. خب آقای بیاید از نزدیک نگاه کنید مشکلات را! ببینید که همه جا گل و بلبل نیست که مامور شما می آید اشتباه گزارش می دهد! مامور اداره برق باید شب های بیدار بچرخد، خود او باید بچرخد! واقعا بیاید بچرخد که تمام شیشه های لامپ ها را خاک گرفته است مثل نور مهتاب است انگار! بعد جالب اینجاست که ما زنگ می زنیم، اینجا چراغ ها در روز روشن است! این همه تلویزیون می گوید که در انرژی صرفه جویی کنید. اصلا هم عین خیال آن ها هم نیست! من رفتم اداره برق، می گویم من به عنوان مدیر مدرسه آمده ام، یکی یکی به والدین گفتم که مصرف انرژی و آب را حتی در وضو گرفتن خود دقت کنید. قطر های آب تهران طلا است. بهترین آب ایران را دارد، باید خیلی مراقب باشید، بعد آن آقای می گوید خب حالا وظیفه خود را انجام می دهید، شما هم حداقل یک قدم بردارید. ما آب می خواهیم، ما نمی خواهیم غیر قانونی در این مدت آب بگیریم، شما به ما آب دهید. کارشناس هم می فرستند چند وقت! یعنی در بخش های مختلف انگار، رضویه را می گویند این ها که قانع هستند، این ها که مشکلی ندارند و صدای آن ها را کسی نمی شنود. هر جوری می خواهید بر خورد کنید، آن ها باید بیایند ببینند و اسه چی اینجا باید خراب باشد؟ اسه چی باید بحث آب و برق این طور باشد! خیابان های آن این شکلی باشد! این است که مادر بخش های مختلف از این مشکلات داریم.

شورایاریان: بلندگوی محرومان

وی در ادامه به کارکردهای مثبت شورایاری در محله اشاره کرد و افزود: شورایاری محله را می توانم بگویم یکی از نعمت های خوبی است که به مردم این محله داده شده است! چون مردم این محله کارگر هستند، بیشتر افراد کارگر نشین هستند سرکار می روند. خسته است و نمی تواند برود از خود دفاع کنند و کسی هم ندارد؛ ولی اینجا شورایاری خوشبختانه، نه اینکه من از خودم بخواهم بگویم، ولی افرادی که در شورایاری داریم یک بلندگویی شدند که مشکلات محله و محرومان را به گوش مسئولان برسانند که تا حدی توانستند این کار را انجام دهند. شورایاری از زمان تشکیل تا امروز زحمات های زیادی کشیدند. همین پارک اینجا قبرستان بوده است. چندتا از صندلی های سیمانی گذاشته بودند که هر کس می آمد، فکر می کردند قبرستان است! یک روز به شهر دار وقت آن زمان ظاهر ا گفتند آقا مگر در کوه می شود، گفتند من بچه روستا هستم. شما گفتید خاک بریزید و بعد چمن بکارید. الان ببینید چقدر قشنگ شده است! اگر بخواهد کسی کار انجام دهد واقعا می شود و اگر هم نخواهد فراقکنی می کند و مدام قانون و آیین نامه می آورد که طبق این ماده و طبق این قانون این این شکلی است و اینجا نمی شود؛ ولی اگر بخواهد کار انجام دهد واقعا می شود کار انجام داد، یعنی کار نشدنی را به شدنی تبدیل می کنند! اما جایی هم که بخواهند کار انجام دهند کار نشدنی را نشدنی می کنند.

در یکسال اخیر کارهایی هم انجام شده است

دبیر شورایاری محله «رضویه» در بخش پایانی سخنان خود به دیگر مشکلات موجود در محله اشاره کرد و گفت: الان دو تا از خیابان های ۲۰ متری اصلی بسته شده است به بهانه اینکه اینجا ممکن است تصادف شود! ببینید چقدر کارهایشان از نظر کارشناسی ضعیف است! آقا! اگر قرار بود که اینجا تصادف شود پس چرا خیابان زده شده است؟ ۲۰ متری را بسته اند، انتهای خیابان امام خمینی (ره) و امام حسین (ع) را بسته اند. چند بار در جلسه ها صحبت کردیم و گفتیم بیایید اینجا را میدان کنید یا مسیر را باز کنید که در خیابان شهید اسکندری که ترافیک است اصلا نمی شود وارد شد. اینجا را باز کنید، می گویند شما تابلو و دست انداز بگذارید! چراغ راهنما بگذارید! هزار تا راه وجود دارد! صورت مسئله را نباید پاک کنید! ممکن است در خیابانی تصادف شود پس بچه امروز نباید برود بیرون! باید آن بسته شود. این چه استنباطی است که ما می کنیم در محله؟ در محله مشکلات زیاد است. البته یک کارهایی هم انجام شده است، یکی از کارهایی که کردیم، زیباسازی ورودی شهرک بود که مثل حلبی آباد بود. یکسری این گاراژها پول ها خود را دسته دسته می برند، برای خودشان انباشته می کنند بدبختی آن را ما می کشیم. حالا جالب اینجاست که ما به آنها مراجعه کردیم و درخواست کردیم که به چندتایی بضاعت کمک کنند. آن ها شماره کارت دارند، حاضر هستیم ده هزار تومان برای این بیچاره ها کمک کنید؟ می گویند نه! شما زشتی های آن را می دهید به ما، پول های آن را می برید جای دیگر، ولی راضی نیست که از جایی که دارند زشتی در می آید، یک قسمتی هم حق این محروم است! این مردمی که دارند زشتی شما را تحمل می کنند، حق دارند از شما استفاده کنند، چه اشکالی دارد یک قسمتی از آن برای محرومان مورد استفاده قرار گیرد.



بیکاری و اعتیاد بیداد می کند!

مسئولان مدیرسرای ممله «رضویه» دیگر سفران این نشست صمیمانه بود. این مدیر فرهنگی مطالب خود را اینگونه آغاز کرد: به طور کلی آسیب های ممله ما دو دسته است. یک دسته از بیداد مدیریت شهری و سیاست گذاری های غلط است که نه مال امروز، بلکه از زمان شروع و سافت این ممله بنیان آن گذاشته شده و فیلد از مسائل آن دیده نشده است! اگر هم دیده شده بعدا دچار اهمال گرایی شده است! مثل امتداد فیابان که سر راه آن یک تالار داریم یا تمام نشدن بلوار اعرابی. در واقع این ممله به عنوان فرزند ناملف و نافواسته ای در کنار ممله «مشیریه» رشد کرد! به خاطر همین، ما روی فیلد از این بدیهیات که ممله های دیگر هم برایشان مل شده باشند، مشکل داریم. سرانه فضای سبز ما زیر نیم متر است که فیلد افتضاح است. ما یک پارک داریم؛ ولی ممله مجاور ما ۵ تا پارک دارد، یعنی پارک های بزرگی یکی از آن ها ۵۲ هکتار است! در قیاس با یک پارک ما است! در ممله ما با ۴۲ هزار جمعیت فقط دو مدرسه داریم. در بوم فضا های بازی بچه ها، دو تا سالن ورزشی که یکی از آن ها راه اندازی نشده که طبق سیاست گذاری ها که باید تمویل شود! یاری ممله می شد که هنوز تمویل داده نشده است که زیر نظر سازمان ورزش و پیمانکاری اداره می شود که در تمام این جمعیتی که داریم تنها دو تا سالن داریم که فیلد کم است. ما هنوز از استفر بر فرودار نیستیم! یکی از آسیب ها بحث اشتغال است که بیکاری و اعتیاد واقعا بیداد می کند! توسعه مشاغل خانگی و دستی که باید حمایت شود. مثلا فردی که فرش می بافت، ولی از این فرش را کسی نمی برد! در بحث بیمه های زنان سرپرست خانوار مشکل داریم. باید یک سامانه و بازارهای وجود داشته باشد که چهار نفر بیایند فریادی کنند، ولی از مردم هیچ حمایتی نمی شود. ریشه اصلی اعتیاد هم همین موضوع بیکاری و بحث گرمخانه است که فیلد دارد به ما آسیب می زند.



فوران معتاد از در و دیوار

وی سپس ادامه داد: آسیب ها و چالش های خیلی خیلی زیادی داریم و همین طور هم روز به روز به تعداد آن ها افزوده می شود. الان در آخرین تحقیقاتی که داشتیم خشونت جنسی و خانوادگی مان دارد زیاد می شود، این به صورت زیر لایه های است که متاسفانه داریم یواش یواش طعم ایدز را هم می چشیم. با وجود این بحث های که داریم DIC فعالیت می کند؛ ولی فعالیت DIC واقعا کافی نیست برای این ممله ها، چون اعتیاد خیلی زیاد است. حس می کنیم همان طور که عمو شیخ گفتند ما هر چه کار فرهنگی کنیم با بودن این همه ضد فرهنگ و ضد تبلیغات، اصلا دیده نمی شود و فایده ای ندارد! هر چقدر هم که شما در بحث آموزش شهروندی فعالیت کنید، در تفکیک زباله فعالیت کنید، وقتی می بینید یک نفر به جای اینکه زباله جمع کند، سرش را داخل مخزن زباله کرده و آن را برمی گرداند به خیابان. خب این واقعا کجا دیده می شود؟ فرزندان در مسیر مدرسه شاهد این هستند که به بدترین وجه دارد تزیینی می کند در ملأ عام، برادر، پدرشان و دوستانشان را می بینند که کنار دیوارها نشسته اند چرت می زنند خب کجای این موضوع کار فرهنگی است. اصلا چطور می شود کار فرهنگی انجام داد؟ و در مورد زیرساخت های هم که دوستان فرمودند نه فقط فضای سبز! ما الان بحث بیمارستان واقعا مشکل داریم! نزدیک ترین بیمارستان به ما کجاست؟ نیروی هوایی، بسا این ترافیک آسما می توانید یک مریض را برسانید؟ اصلا امکان ندارد! اینجا فضا و پتانسیل آن هست چرا هیچ کس اهمیتی نمی دهد! ما چطور الان جزء بافت شهری حساب می شویم. ولی زمانی که در بحث بودجه می شود در حاشیه هستیم! ما اینجا شدیداً به بیمارستان نیاز داریم! آقا زمین و فضای آن هست! چرا بحث مدارس من اصلا دیده نمی شود، در محله اینجا ما دو تا محله در کنار هستیم. در قیاس



ممکن است که دو تا نباشد، ولی واقعا برای یک ناحیه واقعا ناصواب است! از نظر تعداد مدارس ما چهار تا مدارس داریم، آجا یازده تا مدرسه دارد! ما یک پارک و آن ها ۷، ۵ تا پارک! من می گویم ۷ تا پارک بعضی از آن ها دو پارکی است! در بحث بانک ما یک بانک داریم، محله مجاور ما یازده تا بانک دارد. ما به بانک سپه، ملت تمام بانک های بزرگ مراجعه کردیم و با سند و مدرک، نامه های آن ها را به شما نشان می دهیم، می گویند اینجا از لحاظ اقتصادی بهره ور نیست! چطور ممکن است ۸۱۴ تا باب تجاری داریم، ۸۱۴ باب تجاری که خودمان ثبت کردیم و رفتیم دنبال کار آن، ما بیشتر از ۵ تا مرکز فرهنگی داریم نزدیک به چهار هزار دانش آموز داریم. ما این تمام مشکلاتی در سطح محله ما هست، اقتصادی نیست! اولی در محله ای که قدم به قدم ۵ تا بانک در یک خیابان اصلی آن است. آن اقتصادی حساب می شود! یعنی شما به هر مسئله زیر ساختی که نگاه کنید در محله ما اصلا به آن نگاه نشده است! تازه کانیه کوچکی همایمان تمام شده است! همین گاراژها را می آیم به شما نشان می دهیم، برداشت محله قسمت اول خیابان اسکندر لور تازه تمام کرده بودیم، ۹، ۸ تا دون بوده است. ۱۱ تا دون در محله گل ها و محله گوسفندی ما رفتیم. هنوز ما مشکل موش داریم! در گاراژها موش مشکل موش داریم، خیلی از خیابان مشکل موش دارد. خب این خیلی زشت است برای یک محله ای که بالاخره

دروازه تهران است! شما از بالا که می آید نگاه می کنید، یعنی آسما دروازه خانه هایمان را زشت می سازید، معتاد از آن فوران می کند. از هر سوراخ آن بگیرد می آید بیرون و آن وضعیت گاراژهایمان است! دیوارهای آن دارد می ریزد! آن وضعیت زیبا سازی آن است و آن هم وضعیت تابلوسازی آن است. اصلا شما ورودی محله ما را نگاه کنید خیابان امام سجاده، شبیه به محله است واقعا! هیچ شباهتی به محله ندارد! ورودی آن مثل گاراژ است! مثل گاراژهای بزرگی که اول شهرها است که کسی که وارد می شود برای تعمیر ماشین مثل ماشین های سنگین است یا در ورودی حتی فضای سبز قائل نیستند که آن ورودی را درست کنند و زیبا سازی شود. فضای بازی ما زمین چمن بود که اگر خاطر تان باشد، ما آن را تازه با همت شهردار ناحیه مان و دوستان شورایی و در این چند سال توانسته ایم دیوار کشی کنیم. هنوز نتوانسته ایم وضعیت بازسازی و بهداشتی و برق آن را خیلی از مسائلش را حل کنیم! چطور ممکن است یک محله ای که در کنار ماست ۵ تا زمین چمن داشته باشد، ما یک زمین چمن آن را هم نمی توانیم درست کنیم! خب این نابرابری به خاطر چه چیزی است؟ به خاطر اینکه یک محله بسیار ساده در ایران که این همه سرو صدا می کنند یک شهر کوچک که به نسبت جمعیتی یک سوم جمعیت ما است، ۲ میلیارد بودجه دارد و ما زیر ۲ میلیارد بودجه سالیانه ما است! واقعا دیگر نمی توانیم بیشتر از این مسائل اولیه مثل کانیه، هزینه کنیم. ما اگر بخواهیم موضوعی را در محله بگیریم باید برویم التماس کنیم که فلانی بیا برای ما استخر بساز، نه نمی شود اینجا آب ندارد. آقا این آب و این هم ۵۲ متر زمین! امکان ندارد اینجا وسط محله است! آقا بیاید اینجا برای ما پارک درست کنید. انتهای خیابان اسکندر لور همین فضای که با هم رفتیم، ما این فضا را پیشنهاد داده ایم به عنوان چشم محله است که زمانی که می آید وصل می شود به اتوبان امام علی (ع).

آقا این از نظر دید شهری دید بدی است! این ویرترین محله ماست آیا باید ویرترین محله ما یک مخروبه باشد؟! یا اینکه بهترین ویرترین محله ما یک فضای سبز و زیبا باشد که مثل اتوبان امام علی (ع) در شهر ری، یک آب نما و فضای سبز داشته باشد. آیا ما این را برای خودمان می خواهیم! ۴۲ هزار جمعیتی که اینجا هست.

آلودگی کارخانه سیمان

مدیرسرای محله «رضویه» در ادامه به وجود فقر شدید در این محله اشاره کرد و افزود: ۹۳ درصد جمعیت این محله زیر خط فقر است! ۹۳ درصد زیر خط فقر چیز کمی است! سرانه فضای سبز و آموزشی نداریم! یعنی هیچی نداریم. یعنی هر چیزی بخواهیم بگویم اصلا نیست جزء هیچ چیزی حساب نمی شویم! آیا بودن کارخانه سیمان اینجا که بنده و جناب آقای اسماعیل زاده حداقل چهار تا جلسه با آنها داشتیم و می گویند آلودگی ما زیر ۴۰ ppm هستیم آیا این ppm ۴۰ که این ها می گویند و فیلتر گذاشتند و جناب آقای حافظی از شورای شهر تشریف آوردند هیچ چیز نیست؟! اگر روزانه به شما یک ppm سم آرسنیک بدهند شما را نمی کشد؛ ولی در طول یکسال شما را می کشد! در یک روز نمی کشد در طول یکسال هم نمی کشد؟! این ppm ۴۰ را شما بیاید بروید وضعیت زندگی های مردم را نگاه کنید. آیا کارخانه سیمان عوارض می دهد به شهرداری یا نه! حق مردم هست عوارضی که در محله هزینه فضای می شود یا نه؟ فضای سبزی که در زمان آقای کرباسچی ایشان هم می فرمایند که در حاشیه بی بی شهر بانو ساخته شده است. الان شما باید بروید وضعیت آن را ببینید. آن خشک شده است! کارخانه سیمان قسمتی را برای خودش برداشته دیوار کرده و خشک و یک قسمتی را هم که در آن گوسفند در آن می چرانند! خب شما هر چقدر هم کار کنید، اگر نخواهید نظام مند کار کنید و اهمیتی به آن ندهید، فایده ای ندارد!



ما دبیرستان دخترانه نداریم! دخترهای ما با این معضلات و مشکلات محله که از گرمخانه و از دیگر مشکلات گرفته و فقر فرهنگی و... داریم، می روند در شهرک های اطراف برای تحصیل! اما محققان است که مدرسه داشته باشیم! ما چرا نباید مدرسه داشته باشیم؟ به هر کس می گویند می گویند به شهر داری بگو، شهر داری می گویند، به من ارتباطی ندارد، به آموزش و پرورش بگویند! بعد چه کسی مسئول است یک نفر باید این مسئولیت را قبول کند و حق مردم را ادا کند! به قول معصومی می گویند، بزرگ ترین عبادت این است که ما بیاییم معصیت نکنیم! چه معصیتی بالاتر از اینکه ما ظلم می کنیم به دیگران؟ وقتی ما مدرسه نداریم، یعنی داریم ظلم می کنیم، یعنی این خانواده این حق را دارد که بچه خودش در محله خودش تحصیل کند

مهم ترین معضلات بهداشتی محله «رضویه»

است که فضای باز برای ورزش نداریم، به خاطر این است که رفتیم آسیب شناسی کرده ایم. می رویم مطابق با آن اعلام نیاز می کنیم.



شهروندانمان است. از این رو در حیطه های مختلف اجتماعی مانند خدمات اجتماعی، سلامت روان و سلامت معنوی، مهارت های زندگی و مهارت های فرزند پروری تلاش های زیادی داشته ایم. وی ادامه داد: در محله رضویه، همیشه نیازسنجی و توانمندی های ما بر اساس تحقیقاتی است که انجام شده است! ما به همت مدیریت خوب سرای محله مان، همیشه بررسی و تحقیق می کنیم، نیازسنجی می کنیم و بر آن اساس آموزش ها را بر اساس افراد ساکنان محله می گذاریم. بیشتر گروه سنی هم که با آن ها کار می کنیم، گروه مادر و کودک است که چون فرهنگ محله ما از کودکی شروع می شود. در سایر حوزه های بهداشتی نیز اقدامات موثری داشته ایم مثلا در بحث دیابت ما روی دیابت کار می کنیم، به خاطر این است که زنان چاق مبتلا به دیابت مهم ترین اولویت در محله ما بود! اگر می بینید ما کار گاه تغذیه می گذاریم به خاطر این



بوده است که محله رضویه با آن درگیر بوده است! البته خانه سلامت سعی کرده است که تا حد امکان از ظرفیت های نهادها و ساختارهای محلی، مراکز بهداشت و NGO در رفع این مشکلات استفاده نماید. یکی از کارهایی که انجام می دهیم در خانه سلامت به همت سلامتیاران و آموزشگرانمان، نیازسنجی و هدف گذاری بر اساس نیازهای

فاطمه درزی نیا کارشناس خانه سلامت سرای «رضویه» آخرین سخنران این نشست بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت. وی اینگونه آغاز کرد: مدت ۹ سال است که مسئول خدمات بهداشت محله رضویه هستیم. سلامت یک خصوصیتی دارد و نعمت پنهانی است که چون موجود باشد از یاد می رود و چون مفقود می شود به یاد می آید. سلامت یک بخش مهم برای کیفیت و ارتقای زندگی ما است. وقتی در جامعه ای شهروندان آن در سلامت جسمی و روانی برخوردار باشند، خودبخود پله های ترقی را طی می کنند و به سطح قابل قبولی از توسعه می رسند! با توجه به مطالعاتی که در این دهه گذشته در حوزه سلامت محلی صورت گرفته است، تغذیه نامناسب و استعمال دخانیات، عدم تحرک و فعالیت های جسمانی، خشونت و عدم مقابله با استرس و فشارهای روانی و رفتارهای جنسی غیر ایمن و عدم پایداری به اصول اخلاقی معضلاتی





در نشست شورایاریان محله «تابک» با هفته نامه «پدیده شهر» مطرح شد:

مسائل اجتماعی و ورود نمی کرد! ای کاش شهر داری به



مهمه ی «تابک» دومین مقصد ما در منطقه ۵ شهرداری تهران بود. در سرای این مهمه به گفتگو با شورایاریان نشستیم. سپس در دو مرمه از مهمه بازدید کردیم. آنچه را که شورایاریان گفته بودند از نزدیک مشاهده کردیم. محققاً این مهمه به درستی در لیست مملات مرمه تهران قرار گرفته است. شاید شنیدن از این وضعیت برای فیلی ها در تهران عادی شده باشد، اما به نظر می رسد که جای تامل و درنگ دارد. باید زودتر کاری کرد. آنچه در زیر می آید، می تواند تصویر نزدیک تری از این مهمه به شما بدهد. از این رو فواندن آن فالی از لطف نیست.



تعیین تکلیف زمین های رها شده شهرداری

نفر درگیر می شوند، بالاخره محله است دیگر تا بخواهید به ۱۱۰ زنگ بز نید یک مامور بیاید، طرف را کشته و رفته اند! تازه مامور سر رسیده که گزارش کنند که مثلاً می خواهند بگویند! من می خواهم بگویم که مشکلات خیلی زیاد است! من نمی دانم از کجای آن بگویم! آنقدر زیاد است من نمی دانم از کجا شروع کنم و به کجا ختم کنم! ولی عمدتاً مشکلات ما همین زمین های شهرداری است که در کوچه ها افتاده است! عمده ترین مشکلات است، یعنی اگر این ها تعیین تکلیف شوند، این زمین های من فکر می کنم بخشی از مشکلات محله مارتع شود!



را انجام دهند، خوب وظیفه آن ها است! وقتی پیمانکار در منطقه است و پیمانکار این همه پول می گیرد! خوب وظیفه او چیست؟ این را من باید بروم پیگیری کنم! ما پیگیری می کنیم، ولی این ها می خواهند با همین کارها شورایاری را بازی دهند! با همین کارهای جزئی، آقا من نمی دانم اینجا جدول کثیف است، آقا نمی دانم دیگر نهادی نیست! اگر قرار باشد که یک شورایاری با همین کارها مشغول شود، جدول کثیف است و محله کثیف است و اینجا شسته و آن سطل را نشسته آید، خوب اگر شهردار ناحیه و پیمانکاری که هستند آن ها چه کاره هستند؟ و می خواهند چه کاری انجام دهند! من عرض این است که این کارها وظایف آن ها است و اگر بخواهند این کارها را انجام ندهند دیگر چه کاری می خواهند انجام دهند؟ اینکه بیایند تکلیف زمین های رها شده را مشخص سازند! یک ملکی همجوار ملک طرف است. کل ملک آن اصلاحی می رود، می خواهند بیایند به او بگویند متری دو میلیون تومان، نه متری ۱.۵ میلیون، ۶۰ متر یا ۳۰ متر آن می رود در اصلاحی، خوب می افتد متری ۳ تومان! خوب در اینجا خودشان می فروشند متری یک میلیون و هشتصد هزار تومان، چه جوری این بیاید بخرد ۳ میلیون تومان؟! می خواهم بگویم هیچ همکاری با مردم الان ندارد! واقعا مسئولان دارند ظلم می کنند، ما کاری هم نداریم و کسی هم نداریم و خرده ای هم نداریم!

ترس و واژه ای هم نداریم!

ولی خوب کاری هم صورت نمی گیرد! مثلاً وقتی اینجا چهار

هیچ کاری صورت نمی گیرد در اینجا!

وی در ادامه به ارزیابی عملکرد مدیران شهری پرداخت و افزود: اینکه شما فرمودید که مسئولان چه کاری انجام می دهند؟ به نظر من هیچ کاری صورت نمی گیرد در اینجا! هیچ کاری! یک زمینی در کوچه مشتاقی داریم نزدیک به ۸ متر به بالا است و به خاطر این است که جنب مسجد واقع شده است! کار تن خواب ها جایی ندارند و وقتی می بینند امن است آنجا می روند اسکان پیدا می کنند، جدای از اینکه، واقعا کارهای غیر اخلاقی که صورت می پذیرد، ما آمدم صحبت کردیم با شهردار ناحیه و در مسجد نشستیم و با اهالی و هیئت امناء امام جماعت گفتیم، آقابایم اینجا رافنس بکشیم.

با شهرداری نامه نگاری کردیم تا جواب بگیریم که باز هم مانناستیم جواب بگیریم! ما آمدم با هیئت امناء با هزینه خودمان دیوار بکشیم تا از این وضعیت خارج شود، خوب زن و بچه مردم نمی توانند تردد کنند، واقعا یک جای خیلی بدی است، ما با دوستان هیئت امناء آمدم دیدیم دیوار کشی کرده ایم، متأسفانه شهردار ناحیه خودشان آمدند آن دیوار را تخریب کرده اند، می خواهم بگویم معضلی این چنینی در این محله زیاد است!

این شورایاری در ادامه گفت: شورایاری هم اسم آن شورایاری است! من فکر می کنم، آقایانی که در این دوره هستند مشکلاتی که نمی خواهند انجام دهند یا می خواهند مردم را از سر خود رد کنند، یک جوری است که می گویند شورایاری دارید، آن را به شورایاری بدهید، بروید آن را به شورایاری بدهید، آن ها می آیند آن را انتقال می دهند، شورایاری چه کاره است که کار اجرایی می تواند انجام دهد؟ این که من شورایاری، بخواهم از وقت و زندگیمان می گذریم و می خواهیم برویم دنبال مشکلات محله، وقتی جوابی نمی گیریم به تمسخر هم تازه می گیرند! شورایاری که کاری نمی تواند انجام دهد! چه هزینه ای با کدام هزینه! اولی خوب ما جوابی نمی گیریم! هیچ کاری را نمی توانیم پیش ببریم!

هیچ همکاری با مردم ندارند!

وی در خصوص عملکرد شهرداری نیز چنین گفت: خیلی جزئی بوده است، اینکه بخواهند نظافت محله

صفر اسماعیلی، جانشین دبیر شورایاری محله «تابک» دیگر سخنران این نشست بود که به طرح مشکلات محله خود پرداخت و گفت: مشکل در محله تابک فراوان است! همان طور که حاج آقا خشنده هم فرمودند، بیشترین مشکل را در محله ماباقت فرسوده وجود آورده است، چه جوری؟ در هر کوچه ای که وارد شوید، در این محله، شاید به شما بتوانم بگویم که از ده تا هفت ملک رها شده است! یعنی سازمان نوسازی آمده مکان هایی که به دردمان می خورد و برای آن ها منفععت اقتصادی داشته اند، استفاده کرده است، اما آنجایی که به دردمان نمی خورد است، رها کرده اند! این شده است که مشکلاتی دیگری به وجود آورده است و معاندان اینجا به راحتی اسکان داده می شوند! اخیراً جلسه ای با شهردار داشتیم و رایزنی هایی که شده است و اعتراض هایی که مردم محله و شورایاریان داشته اند، بخشی از زمین ها را آمدند فانس کشیده اند، ولی این فانس که دیگر نمی آید محله را جلأ بدهد، باز همین جوری به یک شکل و شمایل رها شده است!

وی سپس ادامه داد: آمدند آپارتمان سازی کرده اند، ولی آپارتمان های آن ها تخلیه است که هیچ استفاده ای نمی شود، این هم یک مشکلات دیگری دارد که به وجود آورده اند، شما در همین خیابان «خوب بخت» که می بینید، بالای ۱۰۰، ۱۵۰ واحد تخلیه هست الان، بعد تجاری هایی که آن ها به وجود آورده اند، همه مغازه ها بسته است، این ها هم مشکل عمده ای را به وجود می آورند در این ساختمان های کارهایی انجام شده است. یک کارهایی غیر اخلاقی صورت می گیرد. مشکل برای محله و اهالی به وجود آورده است! می خواهم بگویم که بالای شهر معاندان را جمع می کردند، می آیند در اتوبان رهای می کنند در این محله!

این شورایاری سپس به دیگر مشکلات محله اشاره کرد و افزود: یک پارک بیشتر در این محله تابک نداریم! آمده اند یک مجتمع هایی ساختند که محله ما گم شد، یعنی هیچ استفاده از آن صورت نمی گیرد! معاندان هم چون پشت مجتمع واقع شده است این پارک و دور آن هم مدرسه گرفته، یعنی این پارک قشنگ شده است مرکز معاندان!

شهرداری کاری نکرده است!



ناصر رسولی عضو شورایاری محله «تابک»

دیگر سخنران این نشست بود که به طرح مشکلات محله خود پرداخت. وی در این خصوص چنین گفت: مشکلات محله ما همان طور که بچه‌ها گفتند خیلی زیاد است! یکی از مشکلات اساسی محله ما جمعیت زیاد محله ما است! جمعیت زیاد و نبود امکانات! امکانات به چه چیزی می‌گویند! فضای سبز نداریم! فضای ورزشی، فرهنگی و آموزشی که باید یک منطقه و یک محله داشته باشد، ما نداریم. سر خیابان «خوب بخت» یک مجتمع ورزشی است که چند سال واقعا بازی می‌شود، یعنی این جناب آقای سالاری می‌شود؛ بازی دادن شورا! یعنی زمانی که شما به بنده می‌گویید که شما نماینده مردم هستید! من به شما می‌گویم دو، سه ماه دیگر زمانی که شما می‌آید آن را به کسی دیگر انتقال می‌دهید و می‌گویید آقا سه ماه دیگر، چهار ماه دیگر این مجتمع حاضر و آماده تحویل است. منطقه ما، منطقه‌ای است که جوان زیاد دارد! همه آن‌ها در معرض خطر! از چه لحاظ! این جوان می‌آید سر کوچه، سر خیابان و می‌رود نان بخرد، می‌رود کاری کند، موقعی که در این خیابان معتاد می‌بیند، به صورت ناخودآگاه مغز این جوان درگیر می‌شود! که این چرا این طور شده است و علت آن چه چیزی بوده است! ولی زمانی که جایی باشد که او برود و خود را آنجا تخلیه کند، دیگر نیازی نیست که تقلید کند! ما یک مجتمع ورزشی داریم که الان چند سال است، حدود ۵ سال، تا چند وقت پیش که جناب آقای اسماعیلی رفته بودند، به شدت پیگیر شده و گفته بودند که ما یک ماه دیگر تحویل می‌دهیم! فکر کنیم الان شده چهار ماه! وی ادامه داد: یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی که ما داشته‌ایم، این بود که پارکی روبه‌روی اینجا بود، هر از گاهی خانواده‌ای می‌خواست برود دست زن و بچه‌اش را می‌گرفت و می‌رفت در این پارک! ولی بعد در آنجا مجتمع‌سازی کردند و یک فضای سبز برای ما درست نکردند! فکر کنید که بغل پل اتوبان آمدند چهار تار درخت و یک صندلی گذاشتند و آن وقت آن شده است پارک محله ما! این شده است فضای سبز محله ما.

جوان‌های پایین شهر انرژی‌شان زیاد است، چرا جوان‌های منطقه ما باید بروند پشت فرهنگسرای خاوران روی آسفالت تک چرخ بزنند! پارک آزادگان به این بزرگی، مدیریت شهری می‌تواند اصلا برای شرق و جنوب شهر و این طرف به طور کلی یک پیست موتورسواری در پارک آزادگان برای جوان‌ها بزند



رخشنده عضو شورایاری محله «تابک» به عنوان مسن‌ترین فرد حاضر در نشست، ابتدا به طرح مشکلات و مسائل محله پرداخت و چنین گفت: مسئله الان محله ما معتادان است. نه فقط محله ما، بلکه در کل تهران و ایران این مشکل وجود دارد. مشکل معتادان را با بودجه دولتی هیچ وقت نمی‌توانیم حل دهیم. باید کار مردمی و ارتباطات مردمی درست کنیم تا بتوانیم این معتادان را دوباره به بدنه اجتماعی جامعه برگردانیم. اگر آن‌ها را ببریم، ترک هم بدهیم باز هم جامعه وقتی این‌ها را قبول نکند، دوباره همان است و هزینه اضافه است! ما الان ستاد مبارزه با مواد مخدر داریم! ستاد باید ۶ ماهه کار خود را جمع کند، یکساله کار خود را جمع کند! الان چند سال است ستاد مواد مخدر داریم و در هیچ کاری هم پیشرفت کرده‌است!

بودجه‌های پنهان شده است!

وی ادامه داد: ما می‌توانیم از طریق شورایاری‌ها و معاونت اجتماعی شهرداری یک طرح دهند. با این طرح می‌شود برویم حلاجی کنیم! بدنه اجتماعی مردم را با این کار درگیر کنیم! چه کاری می‌توانیم انجام دهیم، شورایاری‌ها و شهرداری و هر چیز دیگر، کلاتری‌های محله، بهزیستی، وزارت بهداشت، امور مساجد، سازمان تبلیغات اسلامی و هیئت‌های مذهبی آن‌ها بیایند یک ستاد تشکیل دهند! یعنی ما ستاد بحران داریم، ستاد بحران را باید در همین محله



معتاد، نقدی که معتاد دارد از آن بیشتر، آدم خوب دارد، یعنی اگر شما به اکثر کوچه‌ها بروید ما شهید خیلی داریم! خیلی آدم خوب داریم، خوب این‌ها در خطر هستند. وقتی شما مشکلات را می‌گویید و شهرداری عوارض را از ما می‌گیرد، ولی کاری را پس نمی‌دهد! این خانواده هم در خطر می‌افتد، یعنی اگر این خانواده یک اولاد داشته باشد، آن در خطر است. عمده‌ترین مشکل ما نداشتن مجتمع ورزشی است که هر موقع که می‌گوییم می‌گویند دو، سه یا چند سال کار دارد. نداشتن مرکز فرهنگی از دیگر مشکلات محله است. هر محله‌ای که شما بروید، پارک، مرکز فرهنگی و ورزشی دارد! ولی در منطقه ما از هر کسی پرسید مرکز فرهنگی‌تان کجاست، باید بروند فرهنگسرا! درست است به ما نزدیک است و راه دوری نیست! ولی یک مرکز فرهنگی برای محله ضروری است. حالا ما ذوق می‌کنیم که سرای محله‌مان نزدیک محله ما است و کارهای فرهنگی و اجتماعی می‌کند. مشکل اساسی ما این است که برای شورایاری ارزش قائل نمی‌شوند!

این شورایاری در بخش پایانی سخنان خود در خصوص عملکرد شهرداری نیز چنین گفت: شهرداری تا امروز، که من شاید دو سال یا دو سال و نیم است که عضو شورایاری هستم،

معتاد، نقدی که معتاد دارد از آن بیشتر، آدم خوب دارد، یعنی اگر شما به اکثر کوچه‌ها بروید ما شهید خیلی داریم! خیلی آدم خوب داریم، خوب این‌ها در خطر هستند. وقتی شما مشکلات را می‌گویید و شهرداری عوارض را از ما می‌گیرد، ولی کاری را پس نمی‌دهد! این خانواده هم در خطر می‌افتد، یعنی اگر این خانواده یک اولاد داشته باشد، آن در خطر است. عمده‌ترین مشکل ما نداشتن مجتمع ورزشی است که هر موقع که می‌گوییم می‌گویند دو، سه یا چند سال کار دارد. نداشتن مرکز فرهنگی از دیگر مشکلات محله است. هر محله‌ای که شما بروید، پارک، مرکز فرهنگی و ورزشی دارد! ولی در منطقه ما از هر کسی پرسید مرکز فرهنگی‌تان کجاست، باید بروند فرهنگسرا! درست است به ما نزدیک است و راه دوری نیست! ولی یک مرکز فرهنگی برای محله ضروری است. حالا ما ذوق می‌کنیم که سرای محله‌مان نزدیک محله ما است و کارهای فرهنگی و اجتماعی می‌کند. مشکل اساسی ما این است که برای شورایاری ارزش قائل نمی‌شوند!



درگیرسازی اجتماعی؛ راه حل معضلات

تشکیل داده شود، مکان و سوله در اختیار محله بگذارد، از این طرف هم غذا و پذیرایی بر عهده آقایان محله بگذارد، از آن طرف هم، بهداشت کار بهداشت خود را انجام دهد! قوه قضاییه کار خود را انجام دهد؛ یعنی خود محله درگیر شود و مساجد درگیر شود، حسینیه‌ها هم درگیر شوند، هر محله فوقش صدا تا معتاد داشته باشد، مال محله خودمان باشد، همون کاری که ما در جنگ کردیم. حضرت امام (ره) گفت: «اگر بناست جنگ پیروز شود، با پرچم امام حسین (ع) پیروز می‌شود!» اگر قرار است معتادان را دوباره برگردانیم به بدنه اجتماع جامعه با پرچم امام حسین امکان پذیر است. همان‌طور که در جنگ جهانی اول پرچم امام حسین (ع) مردم را از گرسنگی و فقر نجات داد، این نظر ما است و می‌شود که انجام داد. یعنی اگر ما بخواهیم کار برای مردم انجام دهیم، مردمی هم نشود، روز به روز هم بدتر خواهد شد! این در مورد معتادان!

باید بیاییم ریشه فرهنگی محله را انجام دهیم و روی آن کار کنیم و خوب پیگیری آن باشیم. همین الان هم که قضیه معتادان را که گفتیم، اگر ریشه کار کنیم و در یک یا دو محله کار کنیم، شهردار و قوه‌های دیگر بیایند داخل کار، بدنه اجتماعی مردم هم بیاید وارد کار شود، بدنه اجتماعی مردم بپذیرد، الان در کشور ما، تا بفهمند که یک نفر معتاد است، دیگر در آن خانواده و طایفه، آن فرد دیگر جایگاهی ندارد! وقتی ترک هم کند، باز هم در خانواده و اجتماع جایگاهی ندارد! فکر کنید دوباره می‌رود سر جای اول آن! صداوسیما هم باید کار کند که این را، یک کاری کنند، به مردم بگویند که این معتادها کار کرده‌اند و اینکه دوباره می‌خواهند برگردند به جامعه، اگر این کار شود، سطح فرهنگ محله را ارتقا دهند!

وی در بخش پایانی سخنان خود به اهمیت شورایاری‌ها اشاره کرد و گفت: شورایاری‌ها تا الان چه سودی داشته است؟ من همیشه دوست دارم عبرت‌ها را از تاریخ بگیریم. ما ناهنجارهایی در شهرداری داشته‌ایم. هر کس هر حرفی داشت می‌رفتند دم ناحیه و شهرداری تظاهرات می‌کردند! ناهنجار بوده است، ولی ما الان نمی‌دانیم چیست و کجاست! ما ناهنجاری‌هایمان را نمی‌دانیم چیست! چون شورایاری داریم و می‌آیند حرف خود را با ما می‌زنند! کاری هم برای آن‌ها انجام ندادیم، همین که حرفش را می‌زند که یک جایی هست که حرفش را بگوید.

وی در بخش پایانی سخنان خود به اهمیت شورایاری‌ها اشاره کرد و گفت: شورایاری‌ها تا الان چه سودی داشته است؟ من همیشه دوست دارم عبرت‌ها را از تاریخ بگیریم. ما ناهنجارهایی در شهرداری داشته‌ایم. هر کس هر حرفی داشت می‌رفتند دم ناحیه و شهرداری تظاهرات می‌کردند! ناهنجار بوده است، ولی ما الان نمی‌دانیم چیست و کجاست! ما ناهنجاری‌هایمان را نمی‌دانیم چیست! چون شورایاری داریم و می‌آیند حرف خود را با ما می‌زنند! کاری هم برای آن‌ها انجام ندادیم، همین که حرفش را می‌زند که یک جایی هست که حرفش را بگوید.

هیچ کسی سر جای خود نیست!



مریم پورمحمدی آذر دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت. وی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: بالغ بر هفت سال است که من آدمدم و این محله را انتخاب کردم و کلینیک مددکاری و اجتماعی را در اینجا راه اندازی کردم. نمی دانم چه چیزی باعث شد که کیلومترها می آیم اینجا و هر چیزی که در توان دارم می گذارم برای مردم این محله! ولی عملاً در این سن و سال آنقدر بی انگیزه شده ام که خودم مرتب می خواهم انگیزه به جوان ها بدهم، ولی می گویم خودم چه چیزی دارم! و انگیزه خودم چه چیزی هست! بسیار متاسف هستم و من این را با صدای بلند اعلام کردم و اینجا هم می گویم و خوشحال می شوم که این جمله مرا چاپ کنید، ای کاش شهرداری به مسائل اجتماعی ورود نمی کرد! ای کاش.

با مردم صحبت می کنیم، به قدری مردم نجیب هستند، به قدری این مردم علاقه مند به دانستن هستند که بعد که سوال می کنیم می گویند آنقدر که فعالیت ما رفت بالا به خاطر آموزش هایی که ما داریم در محله اتابک می دهیم! اتابک به خاطر آموزش هایی که من دارم می دهم همین را دارم اینجا می گویم که شما بپرسید که بالاترین مقام را آورده است به خاطر آموزش های شهروندی. من رفتم صحبت کردم چه حمایتی شده است؟ کجا آمدند و گفتند بسته پیشنهادی شما کجاست! وقتی در تعاونی به عنوان یک کارشناس اجتماعی درس خوانده ای و رفته ای مردم شناسی خوانده ای نظرات شما چه چیزی است! ما رفتیم صحبت کردیم با کرسی حقوق بشر و مجوز کلینیک حقوقی را به عنوان اولین کلینیک حقوقی در تهران گرفتیم. الان همه قصه من این است که چگونه آنجا را گرم کنیم! آنجا را دو تا خط تلفن باید داشته باشم، من چقدر باید از جیب خود بگذارم! من به عنوان پیمانکار اجتماعی آمده ام اینجا کار خود را شروع کرده ام. هر چیزی داشتم فروختم ماشین داشتم فروختم، دیگر شما شاهد هستید دیگر، من ماشین گران قیمت هم داشتم فروختم، یک خانه خود را اجاره دادم اصلاً پول های مرا نمی دهند! کدام حمایت از من به عنوان بخش خصوصی که این بوده است. شورایاری که این بوده است!

مگر یک نفر چقدر می تواند کار انجام دهد!
وی سپس با لحنی انتقادی افزود: من واقعا خیلی دلم می خواهد بگویم که یک روزی بشینم و بپرسم از آقای قالیباف و دست اندر کارها که روزی که شما استارت کار اجتماعی زدید آمدید بپرسید از کارشناس اجتماعی که چه کاری انجام دهند، شما نظر های ما را خواستید و کدام یک از آن ها اعمال شده است! بلند می شوم می روم در آن منطقه که آقای حراست و آقای بازرسی از ما حمایت کنید، بگذارید و از ما حمایت کنید. ۱۲ شب تلگرام من و ۲ نصف شب بچه های اینجا پیام می گذارند و تلفن من تیک تیک صدا می کند که می خواهم خود را از بالای مجتمع پرت کنم پایین! چقدر از آن ها من آدمم گفتم این کار را نکنید! فردا می آیم هم دیگر را می بینیم! چقدر دعوت کردم که بیایید مشاوره. ببینید مگر یک نفر چقدر می تواند کار انجام دهد! وقتی هیچ حمایتی نیست! شما خانم، شما دوست داشتید که این کار را انجام دهید ما چه کاری می توانیم انجام دهیم! این پاسخی نیست برای من! خوب معلوم است که جمع می کنم من. چقدر می گویم آقایان به من کمک کنید! خوب این ها دستشان بسته است!

اینها فرزندان ما هستند!

این مردم شناس در بخش دیگری از سخنان خود به تجربه محله هرندی اشاره کرد و افزود: واقعتاً این است که نمی دانم الان یکی از بحث های بسیار مهمی که داشت در هرندی اتفاق می افتاد و در محله اتابک هم داشت اتفاق می افتاد، ما فوج عظیم مردم عصبانی را بر ضد این کار تن خواب ها دیدیم! پارک هرندی را آتش زدند! کار بسیار زشتی بود. ولی وقتی نگاه می کنید می بینید مردم حق دارند! شما وقتی همکاران من، من این را نقد می کنم، اگر شهرداری می خواهد مبلمان شهری خود را درست کند، ویتترین شهری خود را درست کند، دلیل بر این نیست که مردم عادی از بین بروند و بگویند که فقط فوکوس آن روی مردم عادی باشد! اینجا نیز همین دیدگاه بود که معتادان باید کشته و اعدام شوند! ولی آمدیم روی مردم عادی کار کردیم! و به آن ها گفتیم که آن ها نیز از شما هستند و از وجود شما هستند، فرزندان ما هستند از کشور بیگانه نیامده اند! اراذل و اوباش این ها همه بچه های ما هستند



یکی از بحث های بسیار مهمی که داشت در هرندی اتفاق می افتاد و در محله اتابک هم داشت اتفاق می افتاد، ما فوج عظیم مردم عصبانی را بر ضد این کار تن خواب ها دیدیم! پارک هرندی را آتش زدند! کار بسیار زشتی بود. ولی وقتی نگاه می کنید می بینید مردم حق دارند! شما وقتی همکاران من، من این را نقد می کنم، اگر شهرداری می خواهد مبلمان شهری خود را درست کند، ویتترین شهری خود را درست کند، دلیل بر این نیست که مردم عادی از بین بروند و بگویند که فقط فوکوس آن روی مردم عادی باشد!

که سرشان چیزی می کنید و در محله های می گردانید، نروید نگاه کنید این ها را! نگاه کردن این ها خوب نیست! ببینید تمام این ها کار فرهنگ سازی شده است در این محله! ولی کدام حمایت! کدام چی چیزی! اصلاً گفتند، من می گویم من هم نقد می کنم، هم بسته پیشنهادی دارم. هر دو مورد را برای شما آماده دارم! بیایید این ها را بشنوید، بیایید این ها را از من بگیرید و آموزش دهید! یعنی امروز واقعا سازمان بهزیستی یک مورد از طرح های آسیب دیده را اینجا ما ندیده ایم! و آن ها به محله اتابک نمی آورد. الان چند سال است که من اینجا هستم! من خودم رئیس کانون کلینیک های مددکاری استان تهران هستم. رئیس هیئت مدیره آن هستم. می گویی آقا بهداری چه کاری دارید انجام می دهید، تا کی عکس و تا کی تزویر و تا کی... و تا کی به عنوان ابزار از ما استفاده می کنید! خوب اگر حرف بزیم دلمان می سوزد و اگر حرف بزیم که نمی دانیم که حالا چه چیزی بگوییم! رفتم شهر داری می گویم بابا این و این است! می گویند چه کار کنیم خانم، از ما که کاری بر نمی آید، چه کسی از دست آن بر می آید، چرا باید کلاس های جوانان من تعطیل شود! چرا جلوی چندتا خودکشی گرفته می شود! حالا شما هر روز خبر خودکشی حداقل داریم از شهرستان ها! من نمی دانم واقعا چطور می خواهید کنترل کنید!

ما آمده ایم که شرایط را متعادل تر کنیم

وی در بخش پایانی سخنان خود چنین گفت: اصلاً من مانده ام، امروز هم به احترام شما و اعضای شورایاری و همین شمایی که زحمت کشیده اید، من چون شناختی نداشتم، واقعا دیگر مصاحبه نمی کنم! سال هاست که من مصاحبه های مطبوعاتی انجام نمی دهم! حالا اگر اسم مرا جستجو کنید در گوگل، مصاحبه های من هست. واقعا دیگر خسته شده ام. من می توانم بنشینم در خانه و اصلاً دیگر نیایم، در حالی که امثال من می توانیم موثر باشیم. برای این کشور، برای این محله انجام می دهم. کسی آمده اند که شما چه کاری دارید انجام می دهید؟ واقعا ببخشید

شورایاری ها تا الان چه سودی داشته است؟ من همیشه دوست دارم عبرت ها را از تاریخ بگیریم. ما ناهنجارهایی در شهرداری داشته ایم. هر کس هر حرفی داشت می رفتند دم تاحیه و شهرداری تظاهرات می کردند! ناهنجار بوده است، ولی ما الان نمی دانیم چیست و کجاست! ما ناهنجاری هایمان را نمی دانیم چیست! چون شورایاری داریم می آیند حرف خود را با ما می زنند! کاری هم برای آن ها انجام ندادیم، همین که حرفش را می زند که یک جایی هست که حرفش را بگوید



آسیب‌های اجتماعی در محله «اتابک» کامل است!

علیرضا مطهری مدیر سرای محله «اتابک» دیگر فرد حاضر در این نشست بود که به طبع دیدگاه‌های خود پرداخت و افزوده فیلد فوش آمدید به محله ما تشریف آوردید. فب بالا فره ما دیدیم یک هفته نامه دلسوزی پیدا شده است که آمده است مشکلات مردم تهران را هاپ کند و بنویسد و ان شاء الله که ترتیب اثر بدهند به مقامات بالا! شما فرض کنید محله ای که مدود ۲۷ هزار نفر جمعیت داشته است بعد از سافت اتوبان امام علی (ع) شده ۲۲ هزار نفر! یازده تا مسجید دارد و ده تا مدرسه دارد و مدود ۳۰۰ تا شهید دارد، محله ای که برای انقلاب جان داده اند، مردم آن همه مذهبی بوده اند چه پیزی شده و چه عواملی باعث شده که به اینجا کشیده شده است؟! ما قبلا در محله افغانی نداشته ایم، الان در محله طوری شده است که مردم محله ما می آیند خانه ها را در بیست می دهند به افغان ها و می روند. یعنی در محله ما در هر کوچه ای حداقل یک تا ده نفر افغان می بینید! فردا افغان ها در هر محله ای عوامل و مصلحت مآبانی فودش را دارد! و مسائل فودش را دارد! مردمی که از یک کشور می آیند و با یک فرهنگ دیگر می آیند، مردم را به چه سمت و سویی می کشانند!



باید کاری برای توانمندسازی خانم ها انجام دهیم، من هر چه داد می زدم، می گفتیم آقا شما یک بازار چه به ما بدهید و یک مکانی که ما بدهید که این بنده خدا می آیند پیش ما، یک کار به آن ها بدهیم و خیاطی یاد بدهیم، تا آن ها بتوانند محصولات خود را به فروش برسانند، ولی خب متاسفانه کاری نکرده اند. ای کاش کاری کنیم که توانمندسازی زنان بی سرپرست و بدون سرپرست انجام شود.

وی در خصوص عملکرد شهرداری نیز چنین گفت: ما با خود آقایان خدمات شهری یک بازدید داشتیم که همان جا گفت سطل زباله بیاورید، همین الان بر دارید بیاورید، نیاورند و الان هم آنجا سطل زباله ندارد. یعنی یک مسئول خدمات شهری یک منطقه یک عدد سطل زباله نمی تواند بیاورد، خدمات شهری که مسئول نظافت است! بعد مدیریت شهری را زمانی شما می توانید نمره بدهید که بتواند خروجی داشته باشد، یعنی الان خروجی شهرداری برای محله ما چه چیزی است! به غیر از این که آمده است بافت را به ریخته، خراب کرده و فرهنگ آن را به طور کلی عوض کرده است. مشکلی که مادر محله نواب داشته ایم و در نواب نیامدند کارشناسی کنند و همان مشکلاتی که در نواب داشتند و برای شهرداری و مردم به وجود آمد، در اتوبان امام علی (ع) هم تکرار شد! این روند نشان می دهد که کارهای مدیریت شهری بدون برنامه ریزی است، بدون مطالعات کارشناسی است.

محله اتابک هیچ چیزی از نظر امکانات ندارد!
این مدیر فرهنگی سپس به مساله جوانان اشاره کرد و افزود: ببینید جوان های پایین شهر انرژی شان زیاد است، چرا جوان های منطقه ما باید بروند پشت فرهنگسرای خاوران روی آسفالت تک چرخ بزنند! پارک آزادگان به این بزرگی، مدیریت شهری می تواند اصلا برای شرق

وی ادامه داد: موضوع بافت فرسوده که من اشاره کردم به خاطر اینکه ظاهر محله ما را خراب کرده است، معضلات اجتماعی و فرهنگی برای ما داشته است! الان آسیب های اجتماعی در محله ما کامل است! ایافت فرسوده مکانی است برای کشیدن، ضایعات و خرید و فروش ضایعات فروشی ها که برای خرید اجناس، حالا دزدی که برای مواد فرسوشی یعنی آدم معتاد کامل است. یعنی مواد فراهم است. مکان کشیدن فراهم است و همه چیز فراهم است. حالا اگر خانه ای در آن هم باز باشد، معتادها می روند وسایل را برمی دارند و می دهند ضایعات فروشی! طوری شده است که جنس فروش همان لحظه به او جنس می دهند. الان طوری شده است که اگر مغازه ها یک عدد کاشی از آن ها افتاده باشد، وزارت بهداشت می آید به او گیر می دهد که چرا کاشی شما این طوری است و چرا آب فاضلاب شما بیرون می آید و به هزار تا مشکل گیر می دهد، ولی الان شما دقت کنید در قسمت محیط حرفه ای بهداشت که باید گیر بدهد به این ضایعات فروشی ها که انواع و اقسام موش وارد اینجا می شود و از لحاظ بهداشتی و از لحاظ هر چیزی که شما فرض کنید، برای مردم مشکل ایجاد می کند، می آید می گویند بهداشت اینجا چه کاری انجام می دهد، می گویند بهداشت کم کاری می کند! ما الان سه سال است از سال ۹۱، ۹۲ گفتیم که وزارت بهداشت با شورای شهر و با دادسرای محله با شهرداری جلسه گذاشتیم برای خرید و فروش ضایعات همه آن ها قانون دارند، مثل شما الان می روید وزارت بهداشت می گویند بر اساس ماده ۲۷، مغازه نباید این طوری باشد، مغازه ما نباید این طوری باشد، ولی متاسفانه در محله ما هیچ گونه از این ارگان ها هیچ حرکتی انجام ندادند!

کارهای مدیریت شهری بدون مطالعات کارشناسی است

مدیر سرای محله «اتابک» در بخش دیگری از سخنان خود به معضلات اجتماعی محله اشاره و خاطر نشان کرد: معضلات فرهنگی و اجتماعی اعتیاد، برمی گردد به خانواده هایشان! الان خیلی از معتادها که در این محله داریم، اصلا بعضی از آن ها کارتن خواب هستند! خانم آن ها می آید به مشکل بر خورد می کنند! زن بدسرپرست و بی سرپرست! این ها را باید توانمند سازی کنیم! هیچ ارگان ها هیچ سازمانی هیچ کاری نکرد! ما



سنت، پنج سانت هم تازه نداریم! در ازای هر یک نفر شاید ۵ سانت هم فضای سبز نداشته باشیم! امکان ورزشی هم، الان پنج سال است که به ما قول می دهند و هیچ خبری نیست! می گویند ما بودجه نداریم، ایرادی ندارد، بودجه ندارید باید واسه همه نداشته باشید! شهرک کاروان یک سالن ورزشی زنده و محله مینابی هم یک سالن ورزشی! آقا اگر آدم بودجه ندارد، واسه همه بودجه ندارد! ولی آن دو تا محله هر کدام دو تا سالن دارند ولی محله ما هیچ سالنی ندارد! یعنی خیلی بد است که در قرن بیست و یکم در تهران که پایتخت است، محله اتابک هیچ چیزی از نظر امکانات ندارد! اصلا! ما الان در مانگه



نداریم! ۲۲ هزار نفر آدم داریم در محله، یک در مانگه تامین اجتماعی نداریم! مردم محله شش صبح یا باید بروند در مانگه شهید کاشانی، فلکه دوم خزانه یا باید بروند میدان خراسان، شش صبح آنجا وقت بگیرند! شما از هر نظری بگویند امکانات محله ما صفر است!

و جنوب شهر و این طرف به طور کلی یک پیست موتورسواری در پارک آزادگان برای جوان ها بزند. این همه فضا دارد، خب بچه و جوان من دوس دارم در کندن، انرژی های او زیاد است، دست خود او هم نیست، یک جایی باید باشد که انرژی خود را تخلیه کند، خب شما الان تابستان بیاید پشت فرهنگسرا خاوران بالای ۴۰ نفر موتورسواری می آیند آنجا تک چرخ می زنند! ولی اگر بخواهید شما الان پیست بروید باید هزینه بدهید. این بنده خدا بودجه اش نمی رسد، خب در پارک آزادگان یک پیست موتورسواری بزنند که آقا اینطرف شهر بروند و از آنجا استفاده کنند! من به جرأت شما قول می دهم اگر پیست

موتورسواری بزنند به جرأت می گویم که ۸۰ درصد بز هکاری های محله ما حل و تمام می شود! طرف می خواهد معروف شود می رود انجام معروف می شود! می رود آنجا تک چرخ می زند، می رود آنجا موتورسواری می کند! الان فضای سبز که آقای رسولی فرمودند ما به ازای هر یک نفر، ده

خرابی های ناشی از نوسازی



بگذارم، باید بگذارم! الان سر کوچه زباله ها همین جور روی همدیگر لست

آنجا انجام می شود. آن خانه خراب ها در آنجا است! جای خواب و دستشویی شان در همان جاست. شهرداری مثلا کارهایی که واسه خودشان هست انجام می دهند، کارهای ما را انجام نمی دهد، هر کاری که خودش واجب بدانند، انجام می دهد، حالا ما یک سطل زباله در محله نداریم، من می گویم اینجا نگذار، همسایه بغلی می گویند اینجا نگذار و برمی دارد سطل را می برد! همه این زباله ها تپه می شود در یک جا! یعنی شهرداری اقتدر قدرت ندارد که حرف خودش باشد! آقا سطل را باید اینجا

اسماعیل رضایی عضو شورایاری محله «اتابک» دیگر سخنران این نشست بود که به صورت کوتاه به طرح مشکلات محله خود پرداخت و افزود: دوستان همه مشکلات را گفتند، مشکلی نمانده است. عمده مشکلات محله ما خرابی های نوسازی است که برای ما گذاشته شده است! مشکل دیگر معتادان است که بیشتر آن ها هم مواد فروش هستند، معتادها وقتی مواد فروش ها هستند، صبح که بلند می شویم جنس ما جور است! هم دزدی آنجا انجام می شود، همه کارهایشان

ایران وطن



طرح ملی لباس گرم باهدف اهدای لباس گرم نو یا تمیز و تفکیک شده دارو و پتو برای کودکان کار، کارتن خواب ها و نیازمندان بر گزار می شود

اجرای طرح ملی «دلگرمی زمستانه» در کشور

بامشارکت جمعی از نهادهای مردمی، موسسات و انجمن های خیریه طرح ملی لباس گرم باهدف اهدای لباس گرم نو یا تمیز و تفکیک شده دارو و پتو برای کودکان کار، کارتن خواب ها و نیازمندان شهرمان در استان های تهران، قم، شیراز و کرمان و کرمانشاه و اصفهان مشهده بر گزار می شود. جمعی از نهادهای مردمی، موسسات و انجمن های خیریه ها طرح ملی لباس گرم باهدف اهدای لباس گرم نو یا تمیز و تفکیک شده دارو و پتو برای کودکان کار، کارتن خواب ها و نیازمندان شهرمان در استان های تهران، قم، شیراز و کرمان و کرمانشاه و اصفهان مشهده بر گزار می شود. زمان آغاز این طرح از سوم تا ۱۵ آذر ماه در نمایندگی های منتخب بر گزار می شود. بر اساس این گزارش، این طرح بدون دریافت کمک نقدی و صرفا بامشارکت مردم در جمع اوری لباس گرم، پتو و... انجام می شود و از شب آغاز این طرح، کار گروه توزیع، لباسهای تفکیک شده، راهپیمای چای و غذای گرم میان نیازمندان تقسیم و پخش می کنند و همین گزارش لحظه به لحظه را عملکرد، منجر به اعتماد و مشارکت حداکثری مردم در این طرح ملی بوده است. خیرین و علاقمندان به مشارکت در این طرح می توانند به آدرس شعبه منتهی خبر اهدای اقلام اهدایی مراجعه کنند.

آدرس های تحویل در تهران:

ونک، خیابان ملاصدرا، شیخ بهایی شمالی، بعد از میدان شیخ بهایی، پلاک ۲۲، واحد ۸/۴۸۱۵۵۵، ۴۸۱۵۵۵، ۲۱۸۸۰ تلفن

(دفتر انجمن کودکان فرشته اند)

پسروری ۵، نیرو و هوایی کوچه ساعتچی، فر، پلاک ۲۱، زنگ دوم / ۷۸۰، ۹۳۶۶۹۶، آقای خیری (کوی خرابات)

چهارراه پاسداران، بهارستان دوم، پلاک ۱۷، زنگ دوم، ۲۲۷۲، ۹۱۲۳۵۰، خانم شهاب

میدان شهرری، کوچه کشاورز، پلاک ۴/۱۸۱۲۳۸۵، ۹۰، آقای عارفی / ۷۴۱۱۹، ۹۲۱۱۰، خانم نظری

محدوده لولاسان / ۹۱۲۱۷۵۶۷۷۵، خانم حسینی

محدوده تهرانپارس و حکیمیه شهرک شهید بهشتی / ۹۱۹۳۳۸۸۴۱۶، آقای فعلی

محدوده شهرک گلستان (انجمن فرشته های زمینی) / دبیرستان سما دخترانه (متوسطه ۱ و ۲) / میدان المپیک، بلوار دهکده المپیک کوچه کاهه

و کوچه صحت (ساعت ۸ تا ۱۳)

محدوده تهرانسر (انجمن فرشته های زمینی) / تهرانسر شرقی، بلوار گلها، خیابان فجر، دانشگاه آزاد (دانشکده واحد تهرانسر) هر روز ۸ صبح تا ۱۷.

جمعه ۱۲

امیر آباد شمالی، بالاتر از چهار راه جلال، کوچه ی نهم، پلاک بیست، واحد دو / ۹۱۲۴۸۵۵۴، خدابخش

میدان آزادی اتوبان سعیدی، اتوبان فتح، بلوار الغدیر الغدیر جنوبی، کوچه علیپوران، اسرای محله شادآباد، کزیر تو (۵۰۰۵) / ۹۱۲۱۲۴۸۰

میدان ولیعصر نرسیده به زرتشت کوچه دانش کبان پلاک ۱۶، مدرسه بیمارستان مهر / آسروین زارعی / ۴۱۳، ۹۱۹۳۱۵۰

بلوار ارتش، شهرک شهید محلاتی / ۲۲۴۷۶۵۴۲، ساعت ۹ الی ۱۷

به گزارش وطن، این طرح بامشارکت، کوی خرابات، زنجیره مهریانی خیرین داوطلب، کودکان فرشته اند، فرشته های زمینی (تهران و شیراز)

بنیاد تبسم، دستهای پر مهر، مهرانه قلب سفید، راهدان (کرمان)، خیریه امام حسن مجتبی، کلینک مددکاری اجتماعی همراه، دستهای پر مهر.

قصه ی اسباب بازی ها، جوانه های لبخند، مهر آیین و سوله های طلایی و... بر گزار می شود.

ضرورت ایجاد اشتغال پایدار برای بهبود یافتگان از اعتیاد

مدیرعامل موسسه اندیشمندان رایاسلامت محور، همایش ملی صیانت و گفتمان سازی اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر را فرصتی ارزشمند برای شبکه سازی سازمان های مردم نهاد حاضر در این همایش خواند. به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیر دولتی ایران (وطن)، مصطفی فهیمی راد گفت: با توجه به حضور ۶۰۰۰ سازمان مردم نهاد و غیر دولتی در این همایش، می توان با تاکید بر شبکه سازی این سازمان ها ضمن هم افزایی و انتقال تجارب، از مزایای کاری و صرف هزینه های غیر ضروری در امر پیشگیری و درمان اعتیاد جلوگیری کرد.

فهیمی راد در ادامه به اشتغال بهبود یافتگان از اعتیاد پرداخت و گفت: موسسه اندیشمندان رایاسلامت محور با تاکید بر حلقه گمشده اشتغال در بین بهبودی و عدم رجوع دوباره به سمت اعتیاد، باره اندازی مرکز جامع توانمندسازی و پایدار سازی شغلی به صورت پایلوت و با آموزش و اشتغال بهبود یافتگان، خانواده های آنها و نیز آسیب دیدگان اجتماعی علیرغم کاستی های موجود و خروجی خوبی داشته است.

در حال جان کندن!

جنوب شرقی ترین خانه تهران

هفته نامه «پدیده شهر» از محاصره شهرک رضویه توسط معاندان گزارش می دهد:



آب به این محله آمده است... همه خانه ها گاز دارند به جز خانه من... به خاطر اینکه فاصله خانه من از خانه های دیگر بیشتر است... نه به خاطر خدا کاری برای ما بکنید.»

«برای دیدن آقای قالیباف حتی به شهرداری تهران هم رفتم... گفتند دیگر شهر دار تهران دیدار مردمی ندارد. ۶ آذر ماه بود که رفتم تهران تا بنوتم درد مردم اینجا را به شما بگویم... نگهبان شهرداری بر خورد خوبی نداشت و من را پاس داد به جای دیگر... آنجا گفتند هفته دیگه بیا آقای عزیزا ده اگر ایشان جایز دانست نوبت به شما می دهند برای دیدار... با ماهی چهار صد تومان نمی توانم زندگی کنم... این دست های من هست... ۶ ماه تمام مردم اینجا ۱۷ ساعت در روز آب نداشتند... نماینده همه مردم شدم و مشکلمان را بر طرف کردند... من از اینجا برای کار کردن به ولنجک و نیاوران می روم... ۶ صبح از خانه بیرون می آیم و ۹ می رسم... شب هم همینطور است... رفتم وام بگیرم ندادند گفتند ماهی ۳۰۰ تومان باید بدهی با ماهی ۴۷۰ تومان نمی توانی وام بگیری... یک آب گرم کن دست دوم خریده بودم آمدند معتادها دزدیدند... ۸۰ درصد مردم اینجا فقیر هستند و مشکل مالی و زندگی دارند...»

بیماری سل و آسم یکی دیگر از مشکلاتی است که حاشیه نشین های شهرک رضویه درگیر آن هستند: «اینجا اگر از مردم تست سلامت بگیرند اکثر مردم ریه هایشان مشکل دارند و بیماری سل دارند...» این هارا همسر آقای یاسر می گوید که پسر ده ساله شان به خاطر بیماری آسم مدت ها در بیمارستان بستری بود... «... تو را به خدا فکری به حال ما بکنید... خانه های ما خارج از محدوده هست و می خواهند مفت بخرند... متری یک میلیون تومان هم بخرند؛ ما نمی توانیم جایی خانه بخریم... خدا پدر و مادر کبری خانم را بیامرز د از بالا شهر که می آید برای بچه های ما دفتر و مداد می آورد... پسر من یک مدت بیمارستان خوابیده بود به خاطر اینکه خاک اینجا آلود است... اینجا سگ و شغال دارد... الان زندگی ما با یارانه می گذرد... اول و آخر تکلیف می خوریم می گوئیم خدارا شکر ۱۰۰ تومان یارانه داریم...»

ورفت... اگر آقای قالیباف صدای من را می شنود می خواهم بگویم که شاید بدتر از من هم در تهران زندگی می کنند... اما چطور بیشتر مردم این شهر راحت شب در خانه می خوابند و راحت شیر آب را باز می کنند و آب گرم دارند و حمام در خانه هایشان دارند و هر موقع بخواهند استفاده می کنند اما من باید در سختی باشم...»

کبری خانم تمام زمستان را با کرسی برقی به بهار می رساند... «دیوار خانه ام خراب شده... شرکت گاز به من کوپن داده و بشکه های نفت را داخل آب انبار گذاشته ام... در این خانه ۹ نفر زندگی می کنیم... بچه های خواهرم که بیایند چپ و راست می خوابیم... بچه های خودم خانه ام نمی آیند چون جامی شویم...»

کبری خانم از روزی می گوید که تصمیم گرفت تا آقای شهر دار را ببیند: «آقای قالیباف می دانم که گاهی اوقات برای بازدید از اتوبان به این محل می آید... ساعت ۶ صبح کل اتوبان را رفتم و آدم ما شما راندم... حتی یک بار هم معاون ایشان به اینجا آمده بودند اما باز هم نتوانستم ایشان را ببینم... آقای قالیباف شما خودتان گفتید این منطقه محروم است اگر تصمیم دارید خانه های ما را بخرید حداقل پول خوب بدهید... اگر من و سه خواهرم بخواهیم سه تا آپارتمان ۴۰ متری هم بخریم به ۸۰ میلیون تومان پول نیاز داریم... به آقای سوری رفتم نفی ۸۰ میلیون تومان به ما بدهید تا بتوانیم آپارتمان بخریم... گفت متری یک میلیون تومان بیشتر ندارم به شما بدهم... صاحب زمین من هستم و شما داخل زمین من نشسته اید... پول آجر خانه ات بیشتر از این نمی شود... آقای سوری رئیس املاک منطقه ۱۵ هست و معاون ایشان داخل پارک پامچال نشسته تا به زمین های اینجا بخرد... بارها آقای قالیباف اینجا آمده است و من رفتم ایشان را ببینم اما نتوانستم... آقای قالیباف از شما بر می آید تا به فکر مردم محروم اینجا باشید... خانه های اینجا آب نداشت و من دنبال رفع این مشکل رفتم... به آقای سوری رفتم مردم این محله پول ندارند و اگر می خواهید خانه ها را خراب کنید، پول آب ندهند... گفتند تا ۱۰ سال آینده خراب نمی شود... پول جمع کردیم و الان چند ماه هست که

ادامه از صفحه ۴

خانه کبری زیر یونز نقشه گم شده است

خانه ای قدیمی درست در کنار اتوبان شهید نجفی رستگار با در آبی فیروزه ای، مالک این خانه که به جرات می توان آن را جنوب شرقی ترین خانه شهر تهران دانست؛ متعلق به کبری خانم است: «... من خیلی حرف ها برای آقای قالیباف دارم... این سیم های برق را که می بینی ۱۰ دفعه معتادها سیم های برق مرا دزدیدند... نزدیک ۱۵ بار خانه من را دزد زده و هست و نیستم را برده اند... یک بار هم خانه ام آتش گرفت چون برق به خانه اتصالی داد... بعد هم تمام مدارک خانه در آتش سوخت خودم خانه های مردم بالا شهر سر کار بودم... کبری زن ۵۴ سال های است که ۷ بچه داشته است و الان تنها دو پسر سرباز در خانه دارد...» بیمه به من ۴۷۰ هزار تومان حقوق می دهند... برای بزرگ کردن این دو بچه خانه آدم های سرشناس بالای شهر کار کرده ام اما هیچ وقت خودم را خرد نکردم... کار کردم زحمت کشیدم و زندگی ام را ساخته ام... این خانه هم از تیه پدرم هست برای من و دو خواهر دیگرم... من با سه تا خواهرم در این خانه زندگی می کنیم... یکی از خواهرانم سکنه مغزی کرده الان خونه پسرش هست... به خاطر نداشتن آب و گاز اون یکی خواهرم هم الان رفته و رمیه پیش پسرش... این خانه برای ما سه خواهر تمام هست و نیستمان است... تمام دارایی ما همین یک خانه هست...»

«... از شهر داری به من گفتند چون اینجا سختی زیاد می کنی خانه را می خرنند... گفتند ۱۲ میلیون تومان به شما می دهیم... این پول را می خواستند به من و دو خواهر دیگر بدهند... اما آقای قالیباف تور را به پیغمبر قسمت می دهد نفی ۴۰ میلیون به ما سه تا خواهر بی سرپرست می رسد اما با این پول چطوری می توانیم سر پناه داشته باشیم... آیا امسال مستاجر برویم سال دیگه می توانیم جایی را اجاره کنیم؟ یا ۴۰ هزار تومان پول بیمه چگونه کرایه خانه بدهیم... خانه من جنوب شرقی ترین خانه شهر تهران هست... از سال ۵۴ خانه را پدرم از شخصی به نام وحدت قولنامه ای خریداری کرد... همان زمان وحدت با وکیلش آمد تا ما را از این خانه بیرون کند... حتی گفت سر خواهرم را می برد... پدرم گفت اگر سر تک تک بچه هایم را اینجا ببری من از این خانه نمی روم... به زور ایستادیم... سه تازن بی سرپرست و مریض اینجا زندگی می کنیم...»

خانه کبری خانم تا دو ماه پیش آب هم نداشت... البته این مشکل بیشتر خانه هایی بود که در تقاعاات حریم شهرک رضویه قرار دارد: «دو ماه پیش بعد از ۴۰ سال اینجا لوله کشی آب انجام شد... یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان دادم تا پمپ آب به من دادند... سال گذشته بود که شرکت گاز به خانه های اینجا کنتور گاز داد... التماس کردم به مهندس که داشت در این محل کار گاز کشی را انجام می داد... بهش رفتم به خانه من هم کنتور گاز بدهید... پیمانکار شرکت گاز به من گفت ۲۰ میلیون تومان به من پول بده تا برات گاز بکشم... اما اگر من این پول را داشتم در این خرابه زندگی می کردم... بهش رفتم به خاطر خدا یک شعله گاز به من بده... گفت ۱۰ میلیون بده به من و رفتم ندادند و وسایلش را جمع کرد



هلن عبادی | «... اگر برای فریدموا دمفرد آمده‌اید؛ فیابان مشتمتی یافیبان امام بروید و اگر هم دنبال ضایعات فروشی‌ها هستید بروید هاشم آباد...» وارد محله که اتابک که می‌شوید؛ درست لایه لای سافت و سازهای جدید و بافت فرسوده آن متما به رامتی می‌توانید در همان لمظه اول آمار کانون های آسیب اجتماعی این محله قدیمی را پیدا کنید. متی اگر هم در لایه لای جملات مردم آدرس این محله‌ها پیدا نباشد؛ با دیدن کولی‌ها، غربتی‌ها و ضایعات جمع‌کن‌ها و معتادانی که به دنبال گوشه‌ای دنج برای فرو رفتن در فلسه نشنگی هستند؛ شما را به تمامی کانون های معضلات اجتماعی هدایت می‌کند. این روزها دیگر فیری از قدمت این محله نیست. قبلی از قدیمی های محله اتابک با هیوم مهربان کوچ کرده اند و از این محله رفته اند و آنهایی که باقی مانده اند؛ در فانه های فرسوده شان روز به روز فرو رفتن محله شان را در سیاهی اعتیاد مرور می‌کنند. اگر یک زمانی آرمگاه سید ملکه فانون مملی برای رفت و آمد تهرانی‌ها بود و محله شهرت فود را از زمین های این محله قدیمی به نام امیر اتابک و امیر سلیمانی می‌گرفت؛ اما اکنون نام اتابک شهرت فود را از زمین های رها شده، فانه های فرسوده و معضلاتش می‌گیرد. دیگر کسی نام بلقیس سلیمانی دفتر امیر سلیمانی را نمی‌شناسد. زنی که زمین های زیادی را وقف کرد و دو مدرسه در این محله سافت، مدارسی که جزو قدیمی ترین مدارس شهر تهران است، موقوفه های بلقیس سلیمانی این روزها بیشتر از آنکه به مدرسه شبیه باشد؛ شبیه ساختمان هایی است که قدش زیر بار تاریخ فم شده است و دیوارهای آن فروریخته.



گزارش هفته نامه «پدیده شهر» از وضعیت محله «اتابک» در منطقه ۱۵ تهران:

اتابک

محله‌ای پر از زمین‌های

بی دفاع شهری



یک قرن پیش بود که اتابک محله‌ای بود استوار درست سر راه آرامستان مسگر آباد. محله‌ای که قهوه‌خانه‌های آن درست سر راه زائران آرامستان مرزی بود بین مردگان و زندگان. این روزها محله اتابک زیر بار کهنگی تن رنجوری دارد و زمین های بی دفاع شهری در تک تک کوچه های این محله قدیمی به مانند یک سیب کرم خورده اتابک را از درون تهی کرده است. حتی ساخت بزرگراه امام علی (ع) هم نتوانست حال این محله را خوب کند. «... زمانی که شهرداری داشت انوبان امام علی (ع) را می‌ساخت... خانه‌های فرسوده زیادی را که سر راه بود خرید... خیلی از این خانه‌ها داخل انوبان افتاد و تعداد زیاد دیگر از این خانه‌ها خرابه هایش آسفالت شد و رها شد...» داخل تک تک خیابان های اتابک که بروید حماسه تا چهار تاز این زمین های بی دفاع شهری رها شده را می‌بیند که بر دیوارهای آن سیاهی آتش اعتبار به خوبی نمایان است. «... شهرداری هم برای بزرگراه امام علی (ع) و هم برای احیای بافت فرسوده و تجمیع خانه های قدیمی زیادی را خریداری کرد... اما این زمین‌ها رها شدند...» این‌ها را مرد معنای می‌گوید که خود ساکن خیابان حشمتی است. خیابانی که به گفته اهالی محله اتابک بزرگترین محل تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر است. «... مواد مخدر خیابان حشمتی در تهران مشهور است... این خیابان بزرگترین محل برای تولید مواد مخدر است. در زیر زمین خیلی از خانه‌های اینجا لابراتور تولید شیشه قرار دارد و فروش مواد مخدر خانوادگی انجام می‌شود...» وارد خیابان حشمتی که می‌شویم؛ نیازی نیست تا برای خرید و فروش مواد مخدر سختی زیادی به خودمان بدهیم... در هر خانه که باز می‌شود در ازای دریافت پول مواد مخدر دست متقاضیان این اقبون خانمان سوز را می‌گیرد... چند زن در انتهای کوچه سرب یک گرم بیشتر شیشه با پسر جوانی علنی چانه می‌زنند و در گوشه‌ای دیگر مرد معتادی زورق خود را با عجله آماده می‌کند تا در کنار خانه اش با فندک اتمی به هپروت برود. «... محله حشمتی، محله قدیمی ای است... قرار بود این محله داخل انوبان امام علی (ع) بیفتد... خیلی از خانه‌های این خیابان توسط شهرداری خریداری شد... اما همینطوری رها شد... بیشتر ساکنان این محله معتاد هستند... خانه های این محله نهایت متری دو میلیون تومان می‌ارزد و نوسازی این خانه‌های ۴۰، ۵۰ متری فایده

ای ندارد...» آخرین جمله مرد معتاد در میان دود سفیدی که از لایه لای زورق وارد دهانش می‌شود؛ گنگ و نامفهوم است: «... یکی از مشکلات محله این است که آسایش نداریم... کل محله فرورفته مواد هستند... خودم هم در دام اعتیاد افتادم...» شیشه و دوا در این محله زیاد فروخته می‌شود... دو ساله که پاکم اما وقتی، در محله همه جور مواد پیدایی شود هر چقدر هم دلم بخواهد پاک باشم اما نمی‌توانم...»

کنند تا اعتیاد، کار تنخواب‌ها و دختران فراری به عنوان یکی از دمل های چرکین محله اتابک در کوچه حشمت، امام خمینی و نفیس ریشه بدهند. «... اتابک جایی است که کار تنخواب‌ها و معتادان به آن هجوم آورده اند، آن هم به دلیل وجود مکان های بی دفاع شهری که محل خوبی برای مصرف مواد مخدر و خوابیدن است... خیلی از معتاد های این محل برای این که در این محله فرار از اعتیاد داشته باشند ضایعات جمع می‌کنند و در هاشم آباد به ضایعات فروشی‌ها می‌فروشند...» اینجا به غیر از زمین هایی که رها شده است؛ برخی از ساختمان های مخروبه نیز رها شده اند... مانند مدرسه قدیمی ای که تا دو سال پیش دیوارهای ریخته بود و محلی برای زندگی کار تنخواب‌ها و معتادان تبدیل شده بود اما بالاخره آموزش و پرورش به دور این مدرسه مترو که دیوار کشید تا خواب معتادان را حداقل در این مکانی که ۱۰ سال پیش محل کسب علم بود؛ برهم‌زند

زده ایم... درست وسط زمین ۱۰ مرد معتاد به همراه یک زن نشسته اند و مشغول مصرف مواد مخدر هستند. کنار زمین که می‌ایستیم... انگار آرامش نشنگی معتادان را برهم زده ایم... پسر جوانی از جایش بلند می‌شود و با سنگی از وسط زمین با هر زحمتی که هست خود را به کنار زمین می‌رساند تا مانع عکس انداختن ما شود. «... ماحتی نمی‌توانیم اجازه دهیم بچه‌ها همان وارد این زمین شوند... به کلاتری هم زنگ می‌زنیم یا نمایی ایندو یا اگر هم بیایند فقط معتادان را متفرق می‌کنند... همین...» شب‌ها در زمین فوتبال محله اتابک غوغاست... زمینی که تعداد زیادی معتاد را در خود جای می‌دهد و ساقی های موتور سوار میزبانان خوبی از این معتادان هستند تا خدای ناکرده خمار یک گرم موادنشوند.

بوستان بعثت یکی از پارک‌های قدیمی محله اتابک است که آن هم در تسخیر معتادان قرار دارد... سال گذشته یکی از زنان معتاد وسط پارک زایمان کرد... زنگ زدیم ۱۳۷ و اورژانس... آمدند جمعش کردن»

ترمینال اتوبوسرانی اتابک هم یکی از کانون های آسیب اجتماعی محله است. فضای سبز کنار این پایانه هم جای امنی برای معتادان و کار تنخواب هاست.

امید کار تنخواب‌ها و معتادان هاشم آباد است

تمام معتادان به هاشم آباد می‌آیند و ضایعاتی که از داخل سطح‌های زباله جمع‌آوری کرده‌اند به خریداران ضایعات می‌فروشند. مغازه‌هایی که بسیاری از آنها در ظاهر تعمیرگاه خودرو هستند و در باطن خرج معتادان را با خرید ضایعات تامین

هویت تاریخی اتابک فراموش شده است
اگر در گذشته محله اتابک، به عنوان یک محله خوب در جنوب شرقی تهران حرف های زیادی برای گفتن داشت؛ اما این روزها هویت تاریخی این محله لایه لای بافت فرسوده و اعتیاد گمشده است. «... شهرداری و کلاتری محله می‌دانند که محله حشمت یکی از کانون های تولید و توزیع مواد مخدر است... اما کاری نکرده اند... اقتصاد خانواده های خیابان حشمت از محل فروش مواد مخدر تامین می‌شود... بیشتر ساکنان این خیابان غربتی‌ها هستند... افرادی که ۵۰ سال پیش از اطراف مشهد به این محل آمدند و ماندگار شدند...»

۵۰ سال کافی بود تا غربتی‌ها و کولی‌ها به صورت موریگی در تمام خیابان‌ها و کوچه‌های اتابک نفوذ کنند تا خواب معتادان را حداقل در این مکانی که ۱۰ سال پیش محل کسب علم بود؛ برهم‌زند. «... اعتبار بین مردها زیاد است... بیشتر معتادان مهاجر هستند... دختران فراری هم اینجا زیاد هستند و همه مصرف کننده... مردها ضایعات جمع می‌کنند و دخترها از بدن خود پول در می‌آورند...»

زمین فوتبال محله در تصرف معتادان
در لایه لای معضلات محله اتابک به دنبال امکانات رفاهی و تفریحی می‌گردیم. اما تمامی ساکنان این محله آدرس زمین فوتبالی را می‌دهد که زیر سایه معتادان ولگرد قرار دارد. «... همین یک زمین فوتبال را داریم... اما بیشتر اوقات معتادان و کار تنخواب‌ها در این زمین ساکن هستند... زمین چمن ندارد و یک زمین رها شده است...» وارد کوچه بهشتی که می‌شویم؛ در نظر واضح سرگردان این کوچه مزاحمانی هستیم که آرامش آنها را برهم





بر اساس آمار وزارت علوم، در سال ۸۰ نسبت بخش رایگان به شهریه‌ای ۴۱ درصد و در سال ۸۷ به ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده است

کالای شدن دانش

«نشست نقد اجتماعی کالایی شدن دانش» توسط اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی علوم اجتماعی سراسر کشور و با همکاری انجمن جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی با حضور «محمدامین قانع‌ی‌راد»، به «تقد معرفت‌شناختی کالایی شدن دانش» پرداخت، «محمدمالجو»، از «برنده‌ها و بازنده‌های کالایی سازی آموزش» سخن گفت و در کنار آنها «حسام سلامت»، و «امیرحسین سعادت»، از منظر دانشجویی به کالایی شدن دانش نگاه کردند. در ابتدای این نشست، دبیر سابق شورای صنفی دانشگاه علامه طباطبایی، تاریخچه‌ای از اعتراضات دانشجویان و تشکل‌های صنفی را نسبت به پولی شدن آموزش عالی بیان کرد. سیادت به تلاش شوراهای صنفی دانشگاه‌ها برای دریافت مجوز اتحادیه هم اشاره کرد و در این باره گفت: «سه سال است که تلاش می‌کنیم اتحادیه شورای صنفی ایجاد کنیم که تاکنون موفق نشده‌یم. الان ۵۳ تشکل صنفی در کل کشور به هم در ارتباطیم و تا حدی خوشحالییم که خود در چارچوب آهنگین یک اتحادیه خلاصه نشدیم؛ چرا که الان با هماهنگی‌های شخصی از تباط مستقیم با هم داریم.»

این فعال صنفی در ادامه درباره تجمعات دانشجویی در ابتدای سال جاری و در اعتراض به قانون سنوات سخن گفت و این قانون را نمادی از پولی شدن دانشگاه دانست: «شوراهای صنفی تابستان امسال در بیانیه‌ای لزوم لغو قانون سنوات را گوشزد کردند، ولی همچنان پولی سازی دانشگاه در حال زیاد شدن است که مثال عینی آن بحث سنوات است، ضمن این که هزینه خدمات رفاهی مانند خوابگاه و غذای افزایش است و مکان‌های عمومی به بخش‌های خصوصی واگذار شده است. به این موارد با اعتراض شد و نامه‌نگاری‌های مداومی با مسئولان وزارت علوم صورت گرفت که هیچ جوابی نگرفتیم.» امیرحسین سعادت در پایان سخنان خود با اشاره به قانون بومی گزینی، این قانون را پیش‌زمینه‌ای برای راهیافتن اقشار محروم جامعه به دانشگاه‌های مادر دانست و در این باره گفت: «با این قانون در کنار پولی کردن آموزش، مملای جمع زیادی از مردم ایران امکان ورود به دانشگاه و به تبع آن صنعت و آینده کشور را نمی‌یابند. بک سری هم که وارد می‌شوند، نمی‌توانند در این شرایط تحصیل خود را ادامه دهند. این مسائل تکراری شده است در حالی که واقعاً از زدن دراد»

مالجو: دولت باید از دانشگاه‌ها عقب‌نشینی سیاسی کند
«محمدمالجو» که دانش‌آموخته اقتصاد، پژوهشگر و نویسنده که در سال‌های گذشته مقالات متعددی درباره روند خصوصی سازی منتشر کرده است، سخنران بعدی این نشست بود. مالجو بحث خود را با این سوال که «برنده‌ها و بازنده‌های کالایی شدن دانش ایران چه کسانی هستند؟» آغاز کرد و گفت: «خدمت آموزش عالی مثل هر خدمت دیگری اگر فرض کنیم که به حد اعلا کالایی شده باشد، این کالایی شدن باعث ایجاد نوعی گسستگی در رابطه بین عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان می‌شود. وقتی آموزش کالایی می‌شود، نیاز مثل هر کالای دیگری اهمیت ندارد و این تقاضاست که اهمیت پیدا می‌کند، چون پشتوانه مالی دارد. وقتی که آموزش عالی کالایی می‌شود، یگانه و تنها طلب‌نمای رفتار عرضه و تولید کنندگان آموزش عالی سنجیده سود اقتصادی است.» این پژوهشگر اقتصاد استفاده از عبارت خصوصی سازی برای آموزش عالی کشور را نادرست دانست و در این باره گفت: «آموزش عالی به حد اعلا در ایران کالایی نشده است. در سال‌های پس از انقلاب به سوی کالایی شدن آموزش عالی پیش رفتیم. آموزش عالی دارای دویبخش رایگان و شهریه‌ای است؛ در بخش دوم ملاک اصلی شهریه است. ما تصویر تجربی از اندازه این دو بخش نداریم و براساس آمار وزارت علوم، در سال ۸۰ نسبت بخش رایگان به شهریه‌ای ۴۱ درصد و در سال ۸۷ به ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده است. با توجه به مشاهدات، سرعت کالایی شدن در این سال‌ها بعد از سال ۸۷، رشد بیشتری پیدا کرده است.»

این مدرس دانشگاه در بخشی از سخنان خود به مقایسه حوزه‌های علمیه با دانشگاه در زمینه شهریه پرداخت و از سر مشق بودن حوزه علمیه در این مورد سخن گفت: «شهریه یعنی مبلغی که برای دریافت خدمات آموزشی، دانشجوی به موسسه محل خدمت می‌پردازد، اما معنی دیگری هم از شهریه وجود دارد؛ یعنی اجرت و حقوق ماهانه. دانشجویان شهریه را پرداخت می‌کنند، اما در حوزه‌های علمیه طلب شهریه دریافت می‌کنند. شهریه همه جا پرداخت کردنی نیست، بلکه برخی جاها بر حسب تصمیمات مناسبات قدرت دریافت کردنی است. تصور کنید منطق کالایی شدن دانشگاه به حوزه علمیه تسری پیدا کند. اگر این اتفاق بیفتد، معنی آن این است که بسط منطق کالایی به حوزه‌های امری یا غیردانه و مضحک است. اگر در دانشگاه بسط و تحکیم منطق کالایی عجیب جلوه نمی‌کند، این محصول اعمال موفقیت آمیز نوعی خاص از قدرت و مناسبات آن است.»



ایستاد و محله را تمیز می‌کرد... اما شهردار کنونی ناحیه کاری انجام نمی‌دهد... شهرداری خانه‌های قدیمی را خرید و رها کرده است... مردم تجمیع نمی‌کنند... هیچ امکانات رفاهی و فرهنگی وجود ندارد. دو فضای سبز محله دارد که محل تجمع معتمدان است. شب‌ها اینجا مواد فروش ها و معتمدان مردم را تهدید می‌کنند. سرنگ دستشان می‌گیرند و می‌گویند اگر نزدیک‌شان شویم به ما می‌زنند... محله کاملاً تاریک است... اگر من چراغ می‌گذارم روشن نکنم، محله سیاه چال می‌شود...»

کار آفرینی برای زنان سرپرست خانوار با طمع پیاز
زنان در محله اتابک بیشتر از مردان در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. به دلیل اینکه محله اتابک معتمد خیز است، زنان زیادی سرپرست خانوار هستند... به همین خاطر ایجاد کار آفرینی برای این زنان یکی از برنامه‌هایی است که در محله دنبال می‌شود. مریم مطلبی در این باره می‌گوید: «... به این دلیل که زنان سرپرست خانوار این محله سواد زیادی ندارند تا در مراکز دولتی شاغل شوند؛ یک مرکز کار آفرینی در محله ایجاد کرده‌ایم که مشاغل خانگی را برای درآمدزایی زنان سرپرست خانوار در این مرکز ایجاد کرده‌ایم... در اینجا زنان پیاز پوست می‌کنند، بادمجان پوست می‌کنند و برای رستوران‌های بازار مانند نایب و مسلم بسته بندی می‌کنند...» و در این مرکز کار آفرینی که می‌شود پیاز با اتنا کودک کار ۵ ساله‌ای روبرو می‌شود که به همراه مادر و خاله‌اش با سرعت پیاز پوست می‌کند. «ماهی یک تن پیاز پوست می‌کنیم...» بوی پیاز اشک‌ه‌رازه‌وار دی‌را جاری می‌کند و اتنا در این فضای کار می‌کند تا شاید اول ماه دستمزد مادرش بیشتر شود... «ماهی ۴۰ هزار تومان می‌گیریم...» ۱۰۵ تا ۱ نفر هستیم... پیاز داغ هم به صورت قلله‌ای دست می‌کنیم...»

باز به ما به صورت تکی نمی‌دهد... در کنار خانه ما یک زمین بی‌دفاع است که شهرداری خریداری کرده و همینطوری رها کرده است... مجبور شدیم برای اینکه معتمدان وارد این محله نشوند... ورودی این زمین را با ایرنیت پوشانیم... رفته شهرداری تا تکلیف خانه‌ام را که دیوارش در حال ریزش است روشن کنیم... گفتند نه این خانه را می‌خریم و نه اجازه ساخت می‌دهیم. «خیابان رضوی یکی از محله‌های بومی نشین محله اتابک است که این روزها درگیر ساخت شبکه فاضلاب است. محله‌ای که خانواده‌های قدیمی اتابک هنوز در این محله زندگی می‌کنند و با چنگ و دندان هم‌شده نگذاشتند پای معتمدان به این محله باز شود...» شهرداری به این محل رسدگی نمی‌کند... شهرداری یکسری زمین‌ها را در این محله خریده و رها کرده تا معتمدان پرورش دهد... یکی از این زمین‌ها را می‌خواستیم هیات کنیم... ماموران شهرداری سر ما ریختن و نگذاشتند... دوست دارند این زمین‌های رها شده پراز معتمد... موش در این محله بیداد می‌کند... به ۱۳۷ زنگ زدم برای موش و یک نفر نیامند... همسایه‌ها شاهد هستند که با تفنگ ساچمه‌ای به جان موش‌ها افتاده‌ام... گربه‌های محل از دست موش‌ها فرار می‌کنند... شهردار قبلی ناحیه آقای فیضی بود... رسیدگی می‌کرد... هر روز که می‌آمد ۲ نفر کارگر شهرداری می

بهریستی بیرون... اما خیلی از دختران نمی‌خواهند داخل بهیستی باشند... می‌گویند هر چیزی را که بلد نبودیم داخل بهیستی یاد گرفتیم... برخی از زنانی که شب‌ها اینجا می‌خوابند شاغل هستند و به سر کار می‌روند... با عطفه داخل شلتر اهنگ رهایی شرق آشنا شدم... دختر لاغر اندام ۲۵ ساله‌ای که دوست داشت وکیل بشود اما وقتی پدرش فوت کرد، زن بابا و ارا از خانه بیرون انداخت... ۳ سال می‌شود که کار انتخاب هستیم... یک سال پیش پدرم فوت کرد... اما قبل از فوت پدرم از خانه بیرون زدم... نمی‌توانستم رفتارهای زن بابا را تحمل کنم... اول در مددسرای چیتگر بودم اما آنجا نتوانستم کار پیدا کنم تا اینکه یکی از خانم‌ها آدرس اینجا را به من داد... قبلاً در یک مرکز شمع سازی کار می‌کردم... تورستوران هم کار کردم... ۵ سال بود که مادرم فوت کرد...»

باز به ما به صورت تکی نمی‌دهد... در کنار خانه ما یک زمین بی‌دفاع است که شهرداری خریداری کرده و همینطوری رها کرده است... مجبور شدیم برای اینکه معتمدان وارد این محله نشوند... ورودی این زمین را با ایرنیت پوشانیم... رفته شهرداری تا تکلیف خانه‌ام را که دیوارش در حال ریزش است روشن کنیم... گفتند نه این خانه را می‌خریم و نه اجازه ساخت می‌دهیم. «خیابان رضوی یکی از محله‌های بومی نشین محله اتابک است که این روزها درگیر ساخت شبکه فاضلاب است. محله‌ای که خانواده‌های قدیمی اتابک هنوز در این محله زندگی می‌کنند و با چنگ و دندان هم‌شده نگذاشتند پای معتمدان به این محله باز شود...» شهرداری به این محل رسدگی نمی‌کند... شهرداری یکسری زمین‌ها را در این محله خریده و رها کرده تا معتمدان پرورش دهد... یکی از این زمین‌ها را می‌خواستیم هیات کنیم... ماموران شهرداری سر ما ریختن و نگذاشتند... دوست دارند این زمین‌های رها شده پراز معتمد... موش در این محله بیداد می‌کند... به ۱۳۷ زنگ زدم برای موش و یک نفر نیامند... همسایه‌ها شاهد هستند که با تفنگ ساچمه‌ای به جان موش‌ها افتاده‌ام... گربه‌های محل از دست موش‌ها فرار می‌کنند... شهردار قبلی ناحیه آقای فیضی بود... رسیدگی می‌کرد... هر روز که می‌آمد ۲ نفر کارگر شهرداری می

باز به ما به صورت تکی نمی‌دهد... در کنار خانه ما یک زمین بی‌دفاع است که شهرداری خریداری کرده و همینطوری رها کرده است... مجبور شدیم برای اینکه معتمدان وارد این محله نشوند... ورودی این زمین را با ایرنیت پوشانیم... رفته شهرداری تا تکلیف خانه‌ام را که دیوارش در حال ریزش است روشن کنیم... ماموران شهرداری سر ما ریختن و نگذاشتند... دوست دارند این زمین‌های رها شده پراز معتمد... موش در این محله بیداد می‌کند... به ۱۳۷ زنگ زدم برای موش و یک نفر نیامند... همسایه‌ها شاهد هستند که با تفنگ ساچمه‌ای به جان موش‌ها افتاده‌ام... گربه‌های محل از دست موش‌ها فرار می‌کنند... شهردار قبلی ناحیه آقای فیضی بود... رسیدگی می‌کرد... هر روز که می‌آمد ۲ نفر کارگر شهرداری می

وارد کوچه بهیستی که می‌شویم؛ در نظر ارواح سرگردان این کوچه مزاحمانی هستیم که آرامش آنها را برهم زده‌ایم... در دست وسط زمین ۱۰ مرد معتمد به همراه یک زن نشسته‌اند و مشغول مصرف مواد مخدر هستند. کنار زمین که می‌ایستیم... انگار آرامش نشنگی معتمدان را برهم زده‌ایم... پسر جوانی از جایش بلند می‌شود و با سنگی از وسط زمین با هر زحمتی که هست خود را به کناره زمین می‌رساند تا مانع عکس انداختن ما شود... ما حتی نمی‌توانیم اجازه دهیم بچه‌ایمان وارد این زمین شوند... به کلاتری هم زنگ می‌زنیم یا نمی‌زنیم یا اگر هم بیایند فقط معتمدان را متفرق می‌کنند... همین... شب‌ها در زمین فوتبال محله اتابک غوغاست... زمینی که تعداد زیادی معتمد را در خود جای می‌دهد و ساقی‌های موتور سوار میزبانان خوبی از این معتمدان هستند تا خدای ناکره در خمار یک گرم مواد شوند

می‌کنند. «جمعه» یکی از کارگران افغانی یکی از ظایفات فروش های هاشم آباد است. پسر ۲۱ ساله ای که از ۱۰ سالگی به ایران آمد و در عرض ۱۱ سال توانست یک خانه در طلخال کابل برای خانواده اش بخرد... اینجا همه جور ضایعات می‌خریم... از انسان گرفته تا آهن پار... کیلویی ۵۰ تومان «جمعه» کارهای زیادی را در این ۱۱ سال در تهران انجام داده است از شاگری در سوپر مارکت تا جابو زدن خیابان‌ها... زمانی که به تهران آمدم لباس نداشتم بپوشم... پدرم هیچی نداشتم... الان بعد از ۱۱ سال در طلخال خانه خریده‌ام و می‌خواهم از راه‌ترکیه به کشور آلمان بروم...»

کودکان، ساقی‌های مواد مخدر
وارد دومین مرکز عمده فروش، تولید و توزیع مواد مخدر محله اتابک می‌شویم. خیابان امام در این خیابان نیز زمین‌های بی‌دفاع شخصی تبدیل به حیاط خلوتی برای معتمدان شده است. در این محل نیز بیشتر خانواده‌ها فروشنده مواد مخدر هستند. حتی کودکان... مصرف مواد مخدر هم در این خیابان علنی و آزاد است... اگر فروشندگان احساس خطر کنند از داخل خانه‌ها و از پنجره مواد را به دست معتمدان می‌رسانند... خیابان امام یکی از خیابان‌های قدیمی اتابک است که در کنار پارک

باز به ما به صورت تکی نمی‌دهد... در کنار خانه ما یک زمین بی‌دفاع است که شهرداری خریداری کرده و همینطوری رها کرده است... مجبور شدیم برای اینکه معتمدان وارد این محله نشوند... ورودی این زمین را با ایرنیت پوشانیم... رفته شهرداری تا تکلیف خانه‌ام را که دیوارش در حال ریزش است روشن کنیم... گفتند نه این خانه را می‌خریم و نه اجازه ساخت می‌دهیم. «خیابان رضوی یکی از محله‌های بومی نشین محله اتابک است که این روزها درگیر ساخت شبکه فاضلاب است. محله‌ای که خانواده‌های قدیمی اتابک هنوز در این محله زندگی می‌کنند و با چنگ و دندان هم‌شده نگذاشتند پای معتمدان به این محله باز شود...» شهرداری به این محل رسدگی نمی‌کند... شهرداری یکسری زمین‌ها را در این محله خریده و رها کرده تا معتمدان پرورش دهد... یکی از این زمین‌ها را می‌خواستیم هیات کنیم... ماموران شهرداری سر ما ریختن و نگذاشتند... دوست دارند این زمین‌های رها شده پراز معتمد... موش در این محله بیداد می‌کند... به ۱۳۷ زنگ زدم برای موش و یک نفر نیامند... همسایه‌ها شاهد هستند که با تفنگ ساچمه‌ای به جان موش‌ها افتاده‌ام... گربه‌های محل از دست موش‌ها فرار می‌کنند... شهردار قبلی ناحیه آقای فیضی بود... رسیدگی می‌کرد... هر روز که می‌آمد ۲ نفر کارگر شهرداری می

باز به ما به صورت تکی نمی‌دهد... در کنار خانه ما یک زمین بی‌دفاع است که شهرداری خریداری کرده و همینطوری رها کرده است... مجبور شدیم برای اینکه معتمدان وارد این محله نشوند... ورودی این زمین را با ایرنیت پوشانیم... رفته شهرداری تا تکلیف خانه‌ام را که دیوارش در حال ریزش است روشن کنیم... ماموران شهرداری سر ما ریختن و نگذاشتند... دوست دارند این زمین‌های رها شده پراز معتمد... موش در این محله بیداد می‌کند... به ۱۳۷ زنگ زدم برای موش و یک نفر نیامند... همسایه‌ها شاهد هستند که با تفنگ ساچمه‌ای به جان موش‌ها افتاده‌ام... گربه‌های محل از دست موش‌ها فرار می‌کنند... شهردار قبلی ناحیه آقای فیضی بود... رسیدگی می‌کرد... هر روز که می‌آمد ۲ نفر کارگر شهرداری می

باز به ما به صورت تکی نمی‌دهد... در کنار خانه ما یک زمین بی‌دفاع است که شهرداری خریداری کرده و همینطوری رها کرده است... مجبور شدیم برای اینکه معتمدان وارد این محله نشوند... ورودی این زمین را با ایرنیت پوشانیم... رفته شهرداری تا تکلیف خانه‌ام را که دیوارش در حال ریزش است روشن کنیم... ماموران شهرداری سر ما ریختن و نگذاشتند... دوست دارند این زمین‌های رها شده پراز معتمد... موش در این محله بیداد می‌کند... به ۱۳۷ زنگ زدم برای موش و یک نفر نیامند... همسایه‌ها شاهد هستند که با تفنگ ساچمه‌ای به جان موش‌ها افتاده‌ام... گربه‌های محل از دست موش‌ها فرار می‌کنند... شهردار قبلی ناحیه آقای فیضی بود... رسیدگی می‌کرد... هر روز که می‌آمد ۲ نفر کارگر شهرداری می

باز به ما به صورت تکی نمی‌دهد... در کنار خانه ما یک زمین بی‌دفاع است که شهرداری خریداری کرده و همینطوری رها کرده است... مجبور شدیم برای اینکه معتمدان وارد این محله نشوند... ورودی این زمین را با ایرنیت پوشانیم... رفته شهرداری تا تکلیف خانه‌ام را که دیوارش در حال ریزش است روشن کنیم... ماموران شهرداری سر ما ریختن و نگذاشتند... دوست دارند این زمین‌های رها شده پراز معتمد... موش در این محله بیداد می‌کند... به ۱۳۷ زنگ زدم برای موش و یک نفر نیامند... همسایه‌ها شاهد هستند که با تفنگ ساچمه‌ای به جان موش‌ها افتاده‌ام... گربه‌های محل از دست موش‌ها فرار می‌کنند... شهردار قبلی ناحیه آقای فیضی بود... رسیدگی می‌کرد... هر روز که می‌آمد ۲ نفر کارگر شهرداری می

بعثت قرار دارد... عصر‌ها این خیابان می‌شود اتوبان همت آنقدر که ترافیک می‌شود... از بالا شهر برای خرید مواد به این خیابان می‌آیند»
اتابک؛ کانونی برای پرورش آسیب‌زیرپوستی
اگر محله هرندی به عنوان یکی از نمادهای آسیب‌های اجتماعی شناخته می‌شود؛ اما حال و روز محله اتابک دست کمی از هرندی ندارد. ساکنان این محله اعتقاد دارند که اتابک کانونی برای رشد و پرورش آسیب‌های اجتماعی زیرپوستی است. اگر به این محله توجه نشود به زودی بدتر از محله هرندی می‌شود. داخل خیابان قربانی یک شلتر برای نگهداری زنان کار انتخاب و معتمد وجود دارد. محلی که در دست در مقابل مسجد قرار دارد و یک بار هم به خاطر شکایت مسجد نزدیک بود بسته شود. خانم عباسی مسئول شلتر اهنگ رهایی شرق است. به گفته‌ها ۱۰ سال است که این زن به زنان در راه مانده و کار انتخاب اسکان می‌دهد... زنان بی‌سرنه و حتی مصرف کننده را در این فضا پذیرش می‌کنیم... گاهی اوقات تعداد ساکنان این مرکز به ۳۰ نفر می‌رسد و گاهی نیز ۱۰ نفر ساکن دارد. زنانی که در این شلتر زندگی می‌کنند هم مجرد و هم زنان مطلقه هستند... برخی از زنانی که اینجا ساکن می‌شوند بچه دارند که بهیستی بچه‌های آنها را می‌گیرد و برخی نیز زنان بارداری بودند که کودکان خود را وقتی به دنیا آوردند تحویل بهیستی دادند... خانم عباسی از DIC که یکی از خیرین در ساختمان خدمات اجتماعی شهر داری ناحیه راه اندازی کرده است؛ ناراضی است...»
یک DIC از طرف محله در ساختمان خدمات اجتماعی راه اندازی کرده‌اند که مددجویان اینجا را به زور می‌برند آنجا... این مرکز مسارا اذیت می‌کند... فکر کنید مددجویی من که ۶ سال است اینجا زندگی می‌کنند؛ از داخل خوابگاه بر دند به مرکز خودشان. خودم هم یک مرکز DIC دارم اما این کار را نمی‌کنم...» انطور که خانم عباسی می‌گوید از دختر ۱۷ ساله تازن ۶ ساله در اینجا زندگی می‌کنند... اما بهیستی می‌گوید که دختران کم سن و سال را نباید اینجا نگهداری کنیم و باید به



مدیر هنری: کلنوش مریخی
عکاس: مهدی هادی
چاپ: سلام
توزیع: نشر گستر امروز

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر
سر دبیر: عابدین سالاری اسکر
معاون سردبیر: افسانه قانع
مدیر اجرایی: عبدا... سالاری

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

۱۶
رپرتاژ

پسایز جامی در ایران خودرود اجرای نخستین قرارداد

محصولات ایکاپ به یک قدمی خط تولید رسیدند

انتخاب عنوان اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل از سوی مقام معظم رهبری برای سال ۹۵، گروه صنعتی ایران خودرو به عنوان قطب اصلی تولید و صنعت ایران را بر آن داشت تا همسو با سیاست های دولت تدبیر و امید نسبت به طرح ریزی آنچه تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است، اقدام کند. بر همین اساس ایران خودرو تبدیل شدن به خودروساز جهانی با همکاری و مشارکت خودروسازان برتر جهانی و البته با تقویت توان تولید داخلی را مصرا نه پیگیری کرده است. همکاری با تولید کنندگان معتبر و مطرح آسیایی و اروپایی رهیافتی برای دستیابی به اهداف ترسیم شده در سیاست های اقتصاد مقاومتی در گروه صنعتی ایران خودرو است. بر همین اساس اولین قرارداد پسایز جامی در حوزه صنعت خودرو و توسط ایران خودرو و به مر حله اجرایی رسیده و با پاییزی شرکت مشترک ایکاپ و برگزاری اولین جلسه هیات مدیره این شرکت، بر نامه ریزی برای تولید محصول مشترک انجام شده است. در آبان ماه امسال اولین بدنه محصول پژو ۲۰۰۸ رنگ شده و با تجهیز سالن های تولید، اولین محصول شرکت ایکاپ در اسفندماه وارد بازار خواهد شد. در این مقال نگاهی بر عملکرد فعالیت های اخیر بزرگ ترین خودروساز خاورمیانه خواهیم داشت.

انتقال فناوری روز تولید قطعات

مطابق با مفاد ایران قرارداد تولید محصول مشترک ایران خودرو و پژو در سال سوم فعالیت به ۷۰ درصد تولید داخلی خواهد رسید. مشارکت قطعه سازان ایرانی و اروپایی خود عامل بسیار مهمی در انتقال فناوری و به روز رسانی تولیدات قطعه سازان و افزایش کیفیت قطعات تولیدی خواهد بود. بر همین اساس به موازات اجرای قرارداد پژو مذاکرات قطعه سازان دو شرکت برای ایجاد جوینت ونچر در حوزه قطعه سازی با رویکرد انتقال دانش و فن آوری تولید قطعه در حال انجام است که بخشی از آن به سرانجام رسیده است.

در بر نامه ایران خودرو و صادرات محصولات ایکاپ به بازار های هدف پژو تدارک دیده شده است. از دیگر سو هر محصولی که توسط پژو طراحی و تولید شود و توجیه اقتصادی داشته باشد در شرکت ایکاپ تولید خواهد شد.

تقویت برند ملی

در کنار همکاری های بین المللی، گروه صنعتی ایران خودرو تقویت برند ملی و عرضه محصولات جدید با نشان داخلی را نیز دنبال می کند. به گونه ای که در راهبرد این شرکت، ۴۰ درصد از تولیدات محصولات تولیدی متعلق به برند ملی خواهد بود. ارتقای محصولات فعلی با برند ملی از جمله آن است، «دنا» بهبود یافته که از محصولات مورد پسند مشتریان است به زودی وارد بازار خواهد شد.

در حال حاضر ایران خودرو توانسته با تولید روزانه حدود دوهزار و ۴۰۰ دستگاه انواع خودرو سواری و وانت که مجموع آن از ابتدای سال تا روزهای پایانی آبان ماه، ۴۰ هزار دستگاه فراتر رفته، دغدغه ای برای تیراژ تولید نداشته و به

فکر کیفیت و ارتقای محصولات خود باشد.

چه آنکه افزایش و بهبود کیفیت محصولات نیز از رؤس اصلی بر نامه های ایران خودرو است. بر همین مبنای پروژه های کیفی متعددی در خطوط تولید این شرکت به اجرا گذاشته می شود که نتایج ارزیابی های شرکت بازرسی نیز مویب روند روبه بهبود کیفیت محصولات این شرکت است.

خدمات پس از فروش و فعالیت های امدادی به مشتریان

شرکت خدمات پس از فروش ایران خودرو، ایسا کو، باتدوین بر نامه های جامع و به روز، به دنبال کسب رضایت حداکثری مشتریان است. این شرکت موفق شده تا میانگین مدت زمان انتظار برای دریافت خدمات امدادی را به ۲۸ دقیقه کاهش دهد. در حال حاضر با هدف گذاری صورت گرفته در تلاش است تا این شاخص را به ۲۵ دقیقه کاهش دهد. بر اساس اعلام نتایج ارزیابی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران شرکت ایسا کو توانسته با کسب بیشترین امتیاز در آرایه خدمات خودرویی در صدر جدول ارزیابی سال ۹۴ این شرکت قرار گیرد.

شرکت ایسا کو مقام اول خدمات پس از فروش را در حالی در بین ۳۹ شرکت ارائه دهنده خدمات پس از فروش خودرویی تثبیت کرد که در هفت دوره متوالی این ارزیابی ها که توسط سازمان بازرسی کیفیت و استاندارد انجام شده و به تایید وزارت صنعت، معدن و تجارت رسیده، همواره در جایگاه نخست قرار داشته است. ویژگی مهم این دوره از ارزیابی ها تغییر کلی مدل ارزیابی و نزدیک شدن آن به استانداردهای جهانی بود که باعث شد، بررسی ها بسیار سخت گیرانه تر صورت گیرد.

ایسا کو برای آرایه خدمات مطلوب پس از فروش به مشتریان محصولات جدید ایران خودرو و اعلام آمادگی کرده است. با توجه به بر نامه ریزی ایران خودرو و برای ورود خودرو های جدید به بازار، ایسا کو به عنوان متولی خدمات پس از فروش این خودرو ساز، آماده خدمت رسانی به مشتریان است و در حال حاضر خدمات خودروی «لچ» ۳ کر اس، ۴ در شبکه خدمات ایسا کو ارائه می شود. تعدادی از نمایندگی های ایسا کو از طریق مدیریت آموزش فنی، آموزش های لازم برای آرایه خدمات پس از فروش این خودرو را کسب کرده اند.

حفظ سهم بازار

گروه صنعتی ایران خودرو موفق شده در سال گذشته سهم بازار محصولات خود را به ۵۴ درصد برساند. این شرکت در صدد است با تولید و عرضه محصولات متنوع و جدید سهم فعلی را حفظ کرده و حتی افزایش دهد.

افزایش قابل توجه میزان فروش محصولات در سال جاری حکایت از افزایش رونق محصولات ایران خودرو در بازار و اقبال مشتریان از آن است. بدیهی است که این افزایش حاصل سیاست گذاری های مناسب ایران خودرو در حوزه بازار است. در سال ۹۵ روش های منعطف و متنوعی برای فروش محصولات فعلی ایران خودرو در نظر گرفته شد. تأمین نیاز و سلیقه گروه های درآمدی مختلف مبنای تصمیم گیری های ایران خودرو در زمینه فروش محصولات است. فروش نقدی و اقساطی با آرایه تسهیلات مناسب زمینه خودرو دار شدن بسیاری از مشتریان را فراهم کرده است. معاونت بازاریابی و فروش ایران خودرو پیش از عرضه

محصول جدید مطالعات گسترده ای برای بررسی وضعیت بازار انجام می دهد. برگزاری کلینیک محصول یکی از روش های ارزیابی بازار برای پذیرش محصول جدید و بررسی تقاضای مشتریان برای آن است.

گام های ایران خودرو در بازار های صادراتی

تولید بدون سرمایه گذاری از راهبردهای اصلی ایران خودرو در کشورهای صادراتی هدف است. ایران خودرو در طبق تفاهم نامه ای که در بهار امسال با کشور آذربایجان به امضا رسانده بود عملیات ساخت خط تولید محصولات خود برای مونتاژ محصولات خود در این کشور را آغاز کرد. ایران خودرو هیچ گونه سرمایه گذاری در آذربایجان انجام نداده و مشارکت به صورت آرایه خدمات فنی و مهندسی برای راه اندازی خط مونتاژ است. این پروژه با سرمایه گذاری ۱۴ میلیون دلاری طرف آذربایجان و با ظرفیت تولید سالانه ۱۰ هزار دستگاه خودرو، نیمه نخست سال آینده به بهره برداری خواهد رسید و محصولات برند ایران خودرو شامل خودرو های نانا، اناس، سمند و سورن در آن تولید خواهد شد. به گفته مدیر عامل ایران خودرو هدف بعدی و فاز توسعه ای در این خط، تولید اتوبوس خواهد بود و این خودرو تجاری نیز در این خط به تولید خواهد رسید.

از دیگر اقدامات ایران خودرو در بازار های بین المللی، آغاز صادرات خودرو های پلیس به ترکمنستان است. یکی از بر نامه های ایران خودرو افزایش سهم در بازار کشورهای آسیای میانه و قفقاز از طریق اتحادیه گمرک این کشورها است و بر همین اساس صادرات به کشورهای ترکمنستان، بلاروس و راه اندازی سایت آذربایجان و قزاقستان را در دستور کار قرار داده است.

مطابق با اهداف ترسیم شده برای سال ۹۵، ۳۰ درصد صادرات ایران خودرو به کشورهای آسیای میانه و قفقاز (CIS) خواهد بود که تعداد ۹ تا ۱۰ هزار دستگاه هدف گذاری شده است. بخش دیگر صادرات محصولات ایران خودرو به کشور عراق است که علاوه بر خودروی سواری به صورت قطعات منفصله، صادرات کامیون به صورت آماده نیز بر نامه ریزی شده است.

در سال جاری گروه صنعتی ایران خودرو با هدف توسعه بازار های بین المللی بیش از ۳۰ دستگاه دنا به بازار های صادر کرد و به این ترتیب بازار ایران خودرو در بازار های شمال آفریقا حیث شد.

الجزایر به عنوان دومین بازار قاره آفریقا همواره مورد توجه خودروسازان برتر جهانی بوده است. پس از صادرات دنا به بازار الجزایر و استقبال مردم، بنابر درخواست بخش خصوصی، احداث سایت مونتاژ در این کشور بر نامه ریزی شده است. بر همین اساس شرکت جوینت ونچری با سرمایه گذاری ۸۰ درصدی طرف الجزایری به نام «آپام کو» ایجاد شده و هم زمان با صادرات بیش از ۳۰۰ دستگاه دنا، تجهیزت خطوط تولید که سهم ایران خودرو در این مشارکت است را سال شده است.

نتایج ارزیابی کیفیت محصولات

در آخرین نتایج ارزیابی های شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران بیشتر محصولات ایران خودرو سه ستاره کیفی را کسب کرده اند.

بر اساس نتایج ارزیابی های شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران منتهی به مهر ماه ۹۵، محصول ۲۰۶ صندوق دار ایران

خودرو، با ارتقای کیفیت موفق به دریافت سه ستاره کیفی شده است.

در کلاس قیمتی ۲۵ تا ۵۰ میلیون، تندر ۹۰ ایران خودرو و رانا نیز سه ستاره کیفی را کسب کرده اند.

محصول گراندیویتا که در ایران خودرو و خراسان تولید می شود نیز مانند دوره های گذشته از ارزیابی توانسته سه ستاره کیفیت را از آن خود کند. در جدول کیفی خودرو های کار، محصول وانت تندر ایران خودرو صدر نشین بوده و توانسته سه ستاره کیفی را کسب کند.

همچنین در آخرین ارزیابی صورت گرفته از سوی شرکت رنو، محصولات رنو تولیدی در شرکت ایران خودرو (تندر) در مرز طلایی کیفیت شرکت رنو قرار گرفته و عنوان کیفیت برتر محصولات تندر در خاور میانه، آفریقا و هند را کسب کردند.

پیشرفت هادر حوزه قوای محرکه

صنعت خودرو و جهان به سمت استفاده از موتور های سه سیلندر توربو شارژ با قدرت بیشتر همزمان با مصرف سوخت و میزان آلایندگی کمتر حرکت کرده است. با این رویکرد گروه صنعتی ایران خودرو و شرکت ماهله آلمان قرار داد طراحی و تولید خانواده ای از موتور های سه سیلندر را امضا کردند.

بر اساس این قرارداد ایران خودرو و ماهله آلمان موتور خودرو طراحی و تولید می کنند. موتور هایی که بر اساس این قرارداد ۵ هزار میلیارد ریالی، طراحی و تولید خواهند شد. ۱۲۰ تا ۱۶۰ اسب بخار قدرت و ۲۸۵ نیوتن بر متر گشتاور و از نظر آلایندگی نیز دست کم استانداردهای یورو ۶ را خواهد داشت. مصرف سوخت ۷/۴ لیتر در یکصد کیلومتر در واحد محصول و در سبب تولید محصولات به ۴ لیتر در یکصد کیلومتر کاهش پیدا خواهد کرد.

کاهش زمان توسعه محصول از ۴۶ ماه به ۳۰ ماه از جمله ویژگی این قرارداد همکاری است که ۵۷ میلیون یورو از رقم کل پروژه، توسط مهندسان و کارشناسان ایران خودرو و انجام خواهد شد.

از دیگر اقدامات ایران خودرو در سال جاری در حوزه قوای محرکه راه اندازی پیشرفته ترین خط تولید گیربکس در شرکت چرخشگر است. «جی.اچ.کیو» سسل جدیدی از گیربکس های دستی و از نوع دیفرانسیل بسته است که به دلیل پر خور داری از سیستم کلاچ هیدرولیکی، عوض کردن دنده را راحت تر می کند.

سرمایه گذاری در بخش قالب سازی

صنعت خودرو در جهان بزرگترین مشتری صنعت قالب و ابزار است، بر همین اساس شرکت سایکو سرمایه گذاری برای طراحی و ساخت قالب های سه خودروی جدید مشترک که به شرکت پژو ۱۰۰ میلیون دلار را بر نامه ریزی کرد. افزون بر آن، با توجه به بر نامه تولید ۷۰ هزار دستگاه ایران خودرو برای سال ۹۵، ۴۵ میلیون دلار به عنوان هزینه باز سازی و نوسازی قالب ها تخمین زده شده است.

گروه صنعتی ایران خودرو یقین دارد که با بهره گیری از دانش، تجربه و تخصص در آمیخته با تلاش و کوشش کارکنان مجموعه می تواند با بر نامه ها و اهداف جامع ترسیم شده، در مسیر تحقق شعار اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل گام بردارد تا از این رهگذر یادگار از دشمنی رادر حفظ و توسعه صنعت پیشرو کشور برای آیندگان بر جای یگذارد.

